

## دیدار عبدالکریم حسینزاده، معاون دولت پزشکیان، با زیندشتی قاجاچی بین‌المللی!

بهرام رحمانی

[bahram.rehmani@gmail.com](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

«جیمز ویلیام کلن» یکی از نظریه‌پردازان مطرح در حوزه جرایم اقتصادی با تلفیق چند نظریه مختلف، یک مدل تبیینی واحد ارائه کرده است که مهم‌ترین نظریه جامعه‌شناختی جرایم یقه سفیدها محسوب می‌شود. وی معتقد است جرایم اقتصادی را با توجه به سه عامل می‌توان تبیین کرد: اول انگیزه‌ها، دوم دلیل تراشی برای ارتکاب جرم یا ادراک فرد از درجه ریخته‌شدن قبح جرایم اقتصادی و سوم فرصت ارتکاب جرایم اقتصادی.

از سوی دیگر، رابطه بین تروریسم و اقتصاد پیچیده است؛ تروریسم می‌تواند رشد اقتصادی را کاهش دهد، اما رشد اقتصادی پایدار نیز می‌تواند به کاهش حوادث تروریستی کمک کند. اما اگر افزایش تهدیدات تروریستی و فساد اقتصادی مانند ایران به حاکمیت وصل باشد دیگر در آن‌جا تلاش برای اصلاح و توسعه بی‌معنی می‌گردد و نیاز به جراحی دارد نه مسکن.

فساد و تروریسم در ذات خود، طیف‌ها و تقسیم‌بندی‌های متعددی دارند. از فساد اخلاقی گرفته تا تروریسم سیاسی، فرهنگی و... فساد و تروریسم اقتصادی یکی از مهم‌ترین این فسادهاست. اگر در ادبیات جنگ، طیفی از جنگ‌های سخت، نرم و نیمه‌سخت را شاهد هستیم، در ادبیات تروریسم هم طیفی از تروریسم سخت، تروریسم نرم و تروریسم نیمه‌سخت را می‌توان در نظر گرفت. تروریسم اقتصادی که حاصل فساد اقتصادی از طرق مختلف است، در شاخه تروریسم نیمه‌سخت قرار می‌گیرد که در کنار انواع تروریسم و تهدیدها، فروپاشی یک جامعه را موجب می‌شود. فساد اقتصادی به‌مثابه تروریسم اقتصادی در سطوح مختلف و در بازه‌های زمانی گوناگون، اثرات مستقیم و غیرمستقیم خود را بر پیکره اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی جامعه می‌گذارد.

سازمان ملل متحد، سه بحران را در سده بیست و یکم مدنظر قرار داده که نخستین آن بحران‌های زیست‌محیطی است که تقریباً همگانی شده و ایران و سایر نقاط جهان را تحت الشعاع خود قرار داده است، بحران دوم، مسئله بیماری‌های واگیردار مثل ابولا و ایدز و غیره است و بحران سوم که از مهم‌ترین بحران‌ها است مسئله تروریسم دولتی و غیردولتی در خاورمیانه و حاکمیت‌های اسلامی است. از آن‌جا که بحران تروریسم، فضای سیاسی این منطقه را تحت تاثیر قرار داده و حکومت ایران نیز خود دست‌اندرکار و بازتولیدکننده تروریسم در داخل کشور و منطقه جهان است، زمانی که یک ساخت خشونت‌آمیز بی‌رحم در یک منطقه وجود داشته باشد، خشونت را در حوزه‌های دیگر هم چون اقتصاد را نیز باز تولید می‌کند. مهم نیست که آن را علیه چه کسی به کار می‌گیرند لذا زمینه آماده می‌شود برای این که تروریسم دولتی، آن هم در کشور ثروتمند و بزرگی مانند ایران، هم از منظر انسانی و هم اقتصادی و زیست‌محیطی بسیار فاجعه‌بار است. جمهوری اسلامی ایران خود، بازیگر خطرناک و بازتولیدکننده تروریسم در منطقه است.

عدم توانایی در کنترل و محدود کردن فساد، معمولاً توسعه اقتصادی و سیاسی را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. توسعه نیافتگی سیاسی به تقویت و افزایش فساد سیاسی به‌صورت هم‌افزایی منجر شده و رابطه این دو نیز به‌صورت یک چرخه در طول دوره‌های متعدد تکرار خواهد شد. در این بررسی، منظور از فساد سیاسی، سوءاستفاده از قدرت توسط کارگزاران سیاسی و دولتی در راستای تأمین منافع شخصی با هدف افزایش قدرت یا ثروت است. در این مطالعه، فساد سیاسی و رابطه آن با توسعه سیاسی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، قابل بررسی است و نتیجه گرفته شده این است که: فساد سیاسی، عدم توسعه و عدم توسعه، متقابلاً فساد سیاسی را به وجود می‌آورد. فساد سیاسی نقش منفی بر فرایند توسعه سیاسی داشته و چالش‌های اساسی برای سیستم سیاسی و شهروندان آن فراهم می‌سازد. هم‌چنین فساد سیاسی، اعتماد شهروندان نسبت به سیستم را کاهش و سیستم سیاسی را با کاهش جایگاه اجتماعی و بحران‌های فزاینده روبه‌رو می‌کند.

با این مقدمه، بحث را در رابطه با هدایت تروریسم و مافیای اقتصادی توسط جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهیم.



تصویر ناجی شریفی زیندشتی و عبدالکریم حسینزاده معاون مسعود پزشکیان

این تصویر، تصویری تکان‌دهنده است: دولت پزشکیان در بحران‌های شدید اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، بین‌المللی و امنیتی دست به گریبان است در برابر چشم مردم، با دست خود به یک قاچاقچی پناه برده است. پیام این صحنه روشن است: مافیا نه دشمن دولت، بلکه شریک قدرت است و به‌طور کلی خود حاکمیت است.

بر اساس ویدیو منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، عبدالکریم حسین‌زاده معاون مسعود پزشکیان در امور توسعه روستایی و مناطق محروم کشور و یکی از نمایندگان مجلس با ناجی شریفی زیندشتی قاچاقچی بین‌المللی و از رهبران شبکه ترور جمهوری اسلامی ملاقات کرده‌اند.

ناجی شریفی زیندشتی، که نامش سال‌ها با قاچاق مواد مخدر، شبکه‌های جنایت سازمان‌یافته و ترور گره خورده، امروز در کنار یکی از مقامات ارشد دولت می‌نشیند؛ بی‌هیچ واهمه‌ای، بی‌هیچ حساب‌کشی. زیندشتی قاچاقچی و تبه‌کار بین‌المللی است. رسوایی تازه‌ای است که این بار رسماً و علناً، نشان می‌دهد مرز بین دولت و مافیا عملاً از هم پاشیده است. دیگر تروریسم و تبه‌کاری جمهوری اسلامی ایران قابل پرده‌پوشی نیست.

ناجی شریفی زیندشتی، قاچاقچی مواد مخدر ایرانی بهمن ماه ۱۴۰۲ از سوی آمریکا تحریم شد. در آن زمان وزارت دادگستری آمریکا اعلام کرد شریفی زیندشتی و دو شهروند کانادایی به توطئه در استفاده از امکانات تجاری در آمریکا در ارتکاب یک طرح قتل در مقابل پول متهم شده‌اند.

آن‌ها با یکدیگر توطئه کرده بودند تا دو نفر از ساکنان ایالت مریلند را به قتل برسانند. قبل از آن، در ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، فاش شده بود که ناجی شریفی زیندشتی، کارتل آدم‌ربایی و قاچاق مواد مخدر، با کمک مقامات سپاه به بازیگر شماره یک بازار مواد مخدر ایران تبدیل شده است.

طبق این گزارش، اعدام‌های متهمان مواد مخدر، نتیجه تسویه‌حساب باندهای مواد مخدر درون سپاه است. پرسش جدی این‌جاست: به چه دلیلی این دیدار ترتیب داده شده است؟ با چه هدفی؟ چرا در کشوری که ده‌ها هزار جوان قربانی مواد مخدر و شبکه‌های تبه‌کار شده‌اند، معاون دولت، با سردسته آن‌ها مذاکره می‌کند؟ سکوت پزشکیان در برابر این افتضاح خطرناک‌تر از خود ماجراست. اگر او بی‌خبر بوده، نشان‌دهنده ضعف مدیریتی و نفوذ مافیاست. اگر باخبر بوده، معنایش همدستی آشکار است. در هر دو حالت، این دولت دیگر نمی‌تواند مدعی «پاکدستی» یا «اصلاح‌طلبی» باشد. زیندشتی فقط یک قاچاقچی ساده نیست؛ او بخشی از شبکه‌ای فراملی است که پول‌های کثیف را وارد سیاست و دستگاه دولتی می‌کند و آن را به خدمت مافیای می‌آورد. نشستن حسین‌زاده کنار چنین فردی، به‌معنای واقعی، یعنی رسماً پذیرفتن این چرخه جنایت و فساد در مرکز حکمرانی جمهوری اسلامی.

زیندشتی در چند سال اخیر حلقه‌ای از نزدیکانش در قدرت را سازمان داده که به «باشگاه دوستان» مشهور است و شامل مقامات ارشد سپاه، چند مقام عالی‌رتبه شورای امنیت ملی و شهرداری تهران و تعدادی از نمایندگان مجلس است.

طبق اطلاعات منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، زیندشتی علاوه بر پرداخت رشوه به این مقام‌ها، شخصاً و به‌طور مداوم، تریاک و هروئین مصرفی بسیاری از این مقامات ارشد جمهوری اسلامی را تأمین می‌کند. هم‌چنین عده‌ای از این مقام‌ها در تجارت مواد مخدر با زیندشتی شریک هستند و فعالیت‌های او در بازار مواد مخدر تهران را نادیده می‌گیرند.

با این حال، زیندشتی در عرصه عمومی و در تعامل با مقام‌های جمهوری اسلامی، چهره‌ای نیکوکار از خود ترسیم کرده است. در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ معاون وزیر آموزش و پرورش در مراسمی از خیرین مدرسه‌ساز تقدیر کرد که یکی از این افراد ناجی شریفی زیندشتی بود.

این در حالی است که پروژه‌های زیندشتی همواره با حمایت مقام‌های محلی، از جمله فرماندار همراه است. پیش‌تر نیز عکسی از تقدیر «کمیته امداد امام خمینی» از زیندشتی، با عنوان «مدیرعامل موسسه نیکوکاری ستاره زیندشتی» منتشر شده بود.

زیندشتی که در گذشته در ایران یک بار به اتهام قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم شده بود، در سال ۱۳۷۶ از زندان گریخت و به ترکیه رفت و از آن‌جا صادرات مواد به ترکیه را هدایت کرد.

زیندشتی در این سال‌ها با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در دو زمینه همکاری می‌کرد: ترور و ریودن مخالفان جمهوری اسلامی و قاچاق مواد مخدر به اروپا با همکاری نهادهای امنیتی ایران.

### سابقه زیندشتی در عرصه تروریسم و مافیا

زیندشتی که در گذشته در ایران یک بار به اتهام قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم شده بود، در سال ۱۳۷۶ از زندان گریخت و به ترکیه رفت و از آن‌جا صادرات مواد به ترکیه را هدایت کرد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده، زیندشتی در این سال‌ها با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در دو زمینه همکاری کرده است: ترور و ریودن مخالفان جمهوری اسلامی و قاچاق مواد مخدر به اروپا با همکاری نهادهای امنیتی ایران.

طبق این گزارش، پیدا شدن ردپای زیندشتی در ترور مخالفان جمهوری اسلامی باعث شد او به ایران برگردد. زیندشتی پس از بازگشت به ایران تلاش خود را برای در کنترل درآوردن مسیرهای واردات مواد مخدر از افغانستان و تبدیل ایران به سلطان شماره یک مواد مخدر جهان آغاز کرد.

زیندشتی در ابتدا بر اساس تجربه قبلی خود در ترکیه، تلاش کرد به مقام‌های محلی در خراسان و سیستان و بلوچستان نزدیک شود، اما پس از مدت کوتاهی تصمیم گرفت به مقامات اطلاعاتی در تهران نزدیک شود.

در حالی که طبق آرشیو منابع اطلاعاتی جمهوری اسلامی زیندشتی تنها در صادرات مواد مخدر فعالیت می‌کند، اما اسناد کاملاً سری تایید می‌کنند که از پایان دهه ۹۰ به بعد، زیندشتی به دنبال نفوذ در حکومت برای دستیابی به مسیر قاچاق مواد مخدر در شرق کشور برسد. ناجی شریفی زیندشتی، کارتل آدم‌ریایی و قاچاق مواد مخدر، با کمک مقامات سپاه به بازیگر شماره یک بازار مواد مخدر ایران تبدیل شده است. طبق این اطلاعات، اعدام‌های اخیر متهمان مواد مخدر، نتیجه تسویه حساب باندهای مواد مخدر درون سپاه است.

در حالی که سپاه پاسداران به مجموعه‌ای از شاخه‌های ترانزیت مواد مخدر تبدیل شده، ناجی شریفی زیندشتی و همدستانش در بازار مواد مخدر ایران دست بالا را دارند، تا جایی که بیش از ۳۵ درصد مواد مخدر توزیع شده در بازار مواد مخدر تهران، متعلق به زیندشتی است.

طبق گزارشات، زیندشتی حدود ۲۰ درصد قاچاق مواد مخدر ایران را در اختیار دارد و مواد مخدر اندکی که گاهی توقیف می‌شود و بخشی از آن متعلق به زیندشتی است، در پی برخورد سایر باندهای مواد مخدر داخل سپاه افشا می‌شوند. با این حال باند زیندشتی در نزاع گروه‌های مافیا دست برتر را دارد.

موج اعدام‌های متهمان جرایم مربوط به مواد مخدر، در نتیجه جنگ قدرت در داخل سپاه پاسداران برای سلطه بر بازار مواد مخدر در داخل و خارج ایران است.

زیندشتی در چند سال اخیر حلقه‌ای از نزدیکانش در قدرت را شکل داده که به «باشگاه دوستان» مشهور است و شامل مقامات ارشد سپاه، چند مقام عالی‌رتبه شورای امنیت ملی و شهرداری تهران و تعدادی از نمایندگان مجلس است.

زیندشتی علاوه بر پرداخت رشوه به این مقام‌ها، شخصا و به‌طور مداوم، تریاک و هروئین مصرفی بسیاری از این مقامات ارشد جمهوری اسلامی را تامین می‌کند. هم‌چنین عده‌ای از این مقام‌ها در تجارت مواد مخدر با زیندشتی شریک هستند و فعالیت‌های او در بازار مواد مخدر تهران را نادیده می‌گیرند.

با این حال، زیندشتی در عرصه عمومی و در تعامل با مقام‌های جمهوری اسلامی، چهره‌ای نیکوکار را از خود ترسیم کرده است. در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ معاون وزیر آموزش و پرورش در مراسمی از خیرین مدرسه‌ساز تقدیر کرد که یکی از این افراد ناجی شریفی زیندشتی بود. این در حالی است که پروژه‌های زیندشتی همواره با حمایت مقام‌های محلی، از جمله فرماندار همراه است.

پیش‌تر نیز عکسی از تقدیر «کمیته امداد امام خمینی» از زیندشتی، با عنوان «مدیرعامل موسسه نیکوکاری ستاره زیندشتی» منتشر شده بود.

پیدا شدن ردپای زیندشتی در ترور مخالفان جمهوری اسلامی باعث شد او به ایران برگردد. او پس از بازگشت به ایران تلاش خود را برای در کنترل درآوردن مسیرهای واردات مواد مخدر از افغانستان و تبدیل ایران به سلطان شماره یک مواد مخدر جهان آغاز کرد.

زیندشتی در ابتدا بر اساس تجربه قبلی خود در ترکیه، تلاش کرد به مقام‌های محلی در خراسان و سیستان و بلوچستان نزدیک شود، اما پس از مدت کوتاهی تصمیم گرفت به مقامات اطلاعاتی در تهران نزدیک شود.

در حالی که طبق آرشیو منابع اطلاعاتی جمهوری اسلامی زیندشتی تنها در صادرات مواد مخدر فعالیت می‌کند، اما اسناد کاملاً سری تایید می‌کنند که از پایان دهه ۹۰ به بعد، زیندشتی به دنبال نفوذ در حکومت برای دستیابی به مسیر قاچاق مواد مخدر در شرق کشور برسد. زیندشتی به دلیل همکاری گذشته‌اش با مقامات اطلاعاتی ایران در ترور و آدم‌ریایی، توانست اعتماد مقام‌های ارشد وزارت اطلاعات را جلب کند، و از دو سال قبل با آنها همکاری تنگاتنگی را آغاز کرد.

پیش‌تر محسن رضایی، دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در یک مصاحبه گفته بود مرزی که قاچاق مواد مخدر از آن صورت می‌گیرد، مرز مشخصی است و این نشان می‌دهد «قطعا دست دولتی‌ها در کار است.»



در خرداد ماه سال ۱۴۰۲، علی شمخانی، دبیر پیشین شورای امنیت ملی، در پی افشای نقشش به عنوان یکی از اعضای اصلی حلقه نزدیکان حکومتی ناجی شریفی زنددشتی، کارتل آدریایی و قاچاق مواد مخدر همدست سپاه، ناچار شد از دبیری شورای امنیت ملی کناره‌گیری کند.

علی شمخانی که حلقه ارتباط اصلی زنددشتی با وزارت اطلاعات نیز بوده، سالانه دست کم سه و نیم میلیون دلار از این قاچاقچی رشوه می‌گرفت. شمخانی هم‌چنین هنگام گردش رفتن در توجال، از مواد مخدری که زنددشتی به او می‌داد، استفاده می‌کرد.

در اواخر اردیبهشت ۱۴۰۲، ناجی شریفی زنددشتی، کارتل آدریایی و قاچاق مواد مخدر، با کمک مقامات سپاه به بازیگر شماره یک بازار مواد مخدر ایران تبدیل شده است.

در حالی که سپاه پاسداران به مجموعه‌ای از شاخه‌های ترانزیت مواد مخدر تبدیل شده، ناجی شریفی زنددشتی و همدستانش در بازار مواد مخدر ایران دست بالا را دارند، تا جایی که بیش از ۳۵ درصد مواد مخدر توزیع شده در بازار مواد مخدر تهران، متعلق به زنددشتی است.

زنددشتی حدود ۲۰ درصد قاچاق مواد مخدر ایران را در اختیار دارد و مواد مخدر اندکی که گاهی توقیف می‌شود و بخشی از آن متعلق به زنددشتی است، در پی برخورد سایر باندهای مواد مخدر داخل سپاه افشا می‌شوند. با این حال باند زنددشتی در نزاع گروه‌های مافیای دست برتر را دارد.

با این حال، زنددشتی در عرصه عمومی و در تعامل با مقام‌های جمهوری اسلامی، چهره‌ای نیکوکار را از خود ترسیم کرده است. در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ معاون وزیر آموزش و پرورش در مراسمی از خیرین مدرسه‌ساز تقدیر کرد که یکی از این افراد ناجی شریفی زنددشتی بود. این در حالی است که پروژه‌های زنددشتی همواره با حمایت مقام‌های محلی، از جمله فرماندار همراه است. پیش‌تر نیز عکسی از تقدیر «کمیته امداد امام خمینی» از زنددشتی، با عنوان «مدیرعامل موسسه نیکوکاری ستاره زنددشتی» منتشر شده بود.

زنددشتی که در گذشته در ایران یک بار به اتهام قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم شده بود، در سال ۱۳۷۶ از زندان گریخت و به ترکیه رفت و از آنجا صادرات مواد به ترکیه را هدایت کرد.

زنددشتی در این سال‌ها با وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در دو زمینه همکاری می‌کرد: ترور و ریودن مخالفان جمهوری اسلامی و قاچاق مواد مخدر به اروپا با همکاری نهادهای امنیتی ایران.

پیدا شدن ردپای زنددشتی در ترور مخالفان جمهوری اسلامی باعث شد او ترکیه را ترک کند و به ایران برگردد. او پس از بازگشت به ایران تلاش خود را برای در کنترل درآوردن مسیرهای واردات مواد مخدر از افغانستان و تبدیل ایران به سلطان شماره یک مواد مخدر جهان آغاز کرد.

زنددشتی در ابتدا بر اساس تجربه قبلی خود در ترکیه، تلاش کرد به مقام‌های محلی در خراسان و سیستان و بلوچستان نزدیک شود، اما پس از مدت کوتاهی تصمیم گرفت به مقامات اطلاعاتی در تهران نزدیک شود.

در حالی که طبق آرشو منابع اطلاعاتی جمهوری اسلامی زنددشتی تنها در صادرات مواد مخدر فعالیت می‌کند، اما اسناد کاملاً سری تایید می‌کنند که از پایان دهه ۹۰ به بعد، زنددشتی به دنبال نفوذ در حکومت برای دستیابی به مسیر قاچاق مواد مخدر در شرق کشور برسد. زنددشتی به دلیل همکاری گذشته‌اش با مقامات اطلاعاتی ایران در ترور و آدریایی، توانست اعتماد مقام‌های ارشد وزارت اطلاعات را جلب کند، و از دو سال قبل با آن‌ها همکاری تنگاتنگی را آغاز کرد.

آذر ۱۳۹۹، زمانی که پلیس ترکیه اعلام کرد ۱۳ عضو یک گروه تبه‌کاری را به اتهام همکاری با اطلاعات ایران بازداشت کرده که دست‌کم از سال ۱۳۹۴ کارشان ترور و ریودن مخالفان حکومت ایران بود، تنها یک نام آن‌ها رسانه‌ای شد: نام رهبر گروه که بازداشت نشد و به ایران گریخت: ناجی شریفی زنددشتی.

براساس گزارش آنتولی، خبرگزاری رسمی ترکیه و هم‌چنین ویدیوهایی که ۲۶ آذر، در تلویزیون بریتانیایی اسکای نیوز منتشر شده، در تازه‌ترین مورد از همکاری این گروه با وزارت اطلاعات ایران، حبیب اسپود، فعال عرب اهوازی، به دست اعضای این تیم ربوده شده و تحویل مقام‌های جمهوری اسلامی شد.

پیش‌تر در سال ۲۰۱۸، تعدادی از اعضای این گروه و رییس آن، ناجی شریفی زنددشتی که یک قاچاقچی بین‌المللی مواد مخدر است به اتهام دست داشتن در چند قتل از جمله کشتن سعید کریمیان، موسس و مدیر وقت مجموعه تلویزیونی چم و قتل‌های مرتبط با قاچاق مواد مخدر در ترکیه بازداشت شده بودند. این افراد البته بعد از مدتی آزاد شدند. گفته می‌شود علت آزاد شدن آن‌ها، ترکیبی از اعمال نفوذ با پرداخت رشوه و فقدان مدارک کافی بوده است.

اکنون قرینه‌هایی در دست است که نشان می‌دهد زنددشتی ممکن است با کمک گرفتن از یکی از بستگان نزدیکش، حسین کریمی ریک‌آبادی که یک گانگستر شناخته شده بین‌المللی در رومانی بوده است، در کشتن قاضی منصوری نیز دست داشته باشد. اگر این حدس درست باشد، ابهام‌ها درباره دلیل کشانده شدن قاضی منصوری از آلمان به رومانی رفع می‌شود: دستگاه دیپلماسی ایران، منصوری را به رومانی برد چون پیمان‌کاران قتل، در آن کشور از امکانات بهتری برخوردار بودند.

اما تنها نام رسانه‌ای شده این گروه، متعلق به همان کسی است که این بار بازداشت نشده است: ناجی شریفی زنددشتی. کسی که در سال ۲۰۱۴ و پس از کشف بزرگ‌ترین محموله هروئین تاریخ اروپا در یونان تحت تعقیب قرار گرفت. بعد از کشف این محموله دو تنی،

زنجیره‌ای از قتل‌های مرموز در کشورهای مختلف روی داد. رسانه‌های مختلف در ترکیه، یونان و سایر کشورها در مورد دست کم ۱۰ قتل، انگشت اتهام را به سمت زیندشتی گرفته‌اند. براساس اسناد منتشرشده، در شش سال گذشته، دست کم ۱۷ نفر در این رابطه در سه قاره جهان به قتل رسیده‌اند.

مردی ۴۶ ساله، که در ۲۶ ساله اخیر زندگی‌اش، با اتهام‌های سنگین قاچاق مواد مخدر و قتل‌های انتقام‌جویانه دست کم سه بار بازداشت، دادگاهی و زندانی شده است اما هر سه بار پس از مدت کوتاهی از زندان رهایی یافته است.

فرزند کوچک خانواده‌ای محبوب در روستای ممکن، چگونه به مردی بدل شد که برای جمهوری اسلامی آدم‌ربایی و آدمکشی می‌کند اما نمی‌تواند بدون محافظان مسلح، حتی در مراسم خاکسپاری مادرش در روستای پدری حاضر شود؟

ناجی، سال ۱۳۵۳ در روستای ممکن، از توابع بخش صومای بردوست شهرستان ارومیه متولد شد. فرزند آخر خانواده‌ای پرجمعیت با ۵ خواهر و دو برادر بزرگ‌تر از خودش. نوه کوچک عمرخان زیندشتی، از ملاکین مشهور و قدرتمند ایل شکاک که با شورش اسماعیل آقا سیمیتقو همراه نشد اما پس از کشته‌شدن او به ریاست ایل رسید و در همین موقعیت اگرچه ابتدا وزیر جنگ جمهوری خودمختار کردستان بود، اما در همراهی با قاضی محمد هم رفیق نیمه‌راه شد.

گرگین (ابراهیم) شریفی، پدر ناجی، اما برخلاف پدرش در انقلابی‌گری راسخ بود و جان خود را بر سر آرمان‌هایش گذاشت؛ راهی که «فرهنگ»، برادر بزرگ‌تر ناجی هم پیمود و تلخ برای خانواده آن‌ها این‌که، پدر و پسر هر دو باهم جان‌باختند، سال ۱۳۶۲ و در جریان درگیری بین پیشمرگه‌های حزب دموکرات کردستان ایران و نیروهای سپاه پاسداران در منطقه انزل ارومیه. همان سپاهی که امروز اسلحه در اختیار همراهان ناجی قرار داده است تا از او محافظت کنند. محافظت از انتقام کسانی که در ادامه داستان درباره‌اش توضیح خواهیم داد.

با مرگ پدر و برادر بزرگ‌تر، خانواده از روستای ممکن به شهر ارومیه مهاجرت کرد. محبوبیت خانواده بین فامیل به خاطر جان‌باختن پدر و پسر بزرگ خانواده، زندگی را برای آنان در شهر آسان کرده بود.

اقتدار نافیه کریمی ریک‌آبادی، مادر خانواده هم در حفظ اعتبار خانواده میان فامیل موثر بود. نافیه خانم، که به تازگی در ۸۵ سالگی فوت کرد، عمه یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های ایرانی درگیر در مواد مخدر در اروپا و آمریکا، «حسین کریمی ریک‌آبادی» است. به او در انتهای این گزارش برمی‌گردیم.

خانواده با وجود از دست دادن پدر، دغدغه مالی نداشت اما ناجی اهل درس خواندن نبود و کلاس اول راهنمایی ترک تحصیل کرد. گویی پی‌آن‌که بداند، به سنت پدربزرگش بازگشته بود.

آن‌گونه که ویلیام دگلاس، قاضی پیشین دیوان عالی آمریکا در فصل چهارم کتاب «سرزمین شگفت‌انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی» که با ترجمه فریدون سنجر منتشر شده نوشته است، سال ۱۳۲۹ وقتی در روستای زیندشت میهمان عمرخان شریفی بود، عمرخان در پاسخ به پرسش از سطح سواد ۱۲ پسرش گفته بود: «من فقط یکی از آن‌ها را به مدرسه فرستاده‌ام و او هم کلاس ششم را تمام کرده و جلوتر نرفته است. در خانواده اگر یک نفر باسواد باشد و بتواند حساب دخل‌وخرج را نگه دارد کافی است.»

ناجی زیندشتی به خاطر پی‌نیازی مالی خانواده، کار نکرد و به سربازی هم نرفت. اما بیکاری موجب نشد خیلی زود ازدواج نکند. سال ۱۳۷۲ جشن عروسی پرخرج و مفصل ناجی که حالا ۱۹ ساله شده بود با لیلیا تمبرزاده، ۱۱ شب طول کشید.

لیلا که در ترکیه به نام نگار شریفی شناخته می‌شود، تمام این سال‌ها را کنار ناجی مانده است. او در اردیبهشت ۱۳۹۷ همراه همسرش و ۸ تن دیگر از نزدیکان ناجی زیندشتی در ترکیه بازداشت شد. مشخص نیست که لیلا چه مقدار درگیر فعالیت‌های ناجی است اما اثر این فعالیت‌ها، دامن زندگی خانوادگی آن‌ها را هم گرفته است. از جمله ۲۵ شهریور ۱۳۹۳، وقتی لیلا پیکر بی‌جان گلوله‌باران شده دختر ۱۹ ساله‌اش آوین (آرزو) را در بیمارستانی در استانبول در آغوش گرفت.

سال ۱۳۷۳، یک سال بعد از ازدواج، به‌نظر می‌رسد ناجی زیندشتی کاری پردرآمد را شروع کرده است، اگرچه جز حلقه نزدیکانش، کسی نمی‌دانست او چکار می‌کند. اما پول ظاهراً باآورده این کار که از جمله صرف خرید اتومبیل می‌شد سال ۱۳۷۴ جان مرد متاهل جوانی با نام فامیلی «بشیری» را گرفت. مردی که کنار خیابان ایستاده بود تا شاهد «ماشین‌بازی» ناجی و دوستان پولدارش در یک نمایش خطرناک باشد.

ناجی از محل حادثه گریخت و تا زمانی که واسطه‌گری دایی‌اش موثر واقع شود و در چارچوب روابط عشیره‌ای خانواده بشیری از خون پسرشان بگذرند، جایی آفتابی نشد. مدتی نه‌چندان طولانی پس از این حادثه، ناجی که تازه پدر شده بود، اواخر سال ۱۳۷۴ در جریان معامله یک محموله قابل توجه مواد مخدر همراه با فردی به نام اسفندیار (اسفندیار ریگی) در خانه خودش در ارومیه بازداشت شد.

ناجی و اسفندیار پس از پایان تحقیقات به زندان اوین منتقل و در نهایت به حبس ابد محکوم شدند. حبسی که تا ابد طول نکشید و اواخر سال ۱۳۷۶ در وضعیتی مبهم، احتمالاً در جریان انتقال به دادگاه برای شهادت در مورد یک پرونده، این دو نفر یکی از ماموران محافظ را کشته و گریختند. اسفندیار راهی پاکستان شد و ناجی راه ترکیه را در پیش گرفت.

ناجی پس از گذشتن از مرز، در خانه خواهر بزرگ‌ترش به نام «فیت» در روستای بلاسان از توابع شهر وان در ترکیه، ساکن شد و با کسانی رفیق و همبازی فوتبال در زمین‌های خاکی شد که به تدریج به برخی از نزدیک‌ترین همکاران و مهره‌هایش بدل شدند.

ناجی زیندشتی چند سالی را در خانه خواهرش ماند و پایه‌های تجارت پرسود برای ترانزیت مواد مخدر به اروپا را از همین روستا بنا گذاشت و از سال ۱۳۸۰ هم مقیم استانبول شد.



هنگام دستگیری زندگشتی توسط پلیس ترکیه

### بازداشت نخست در ترکیه

زندگشتی، در تمام سال‌های فعالیتش کوشیده است حاشیه سیاسی امنی برای خود بخرد. در چارچوب همین تلاش‌ها، او ابتدا به تشکیلات فتح‌الله گولن نزدیک شد و به آن‌ها کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای می‌کرد. ناجی در همین مقطع زمانی، تقریباً هم‌زمان با بازگشایی پرونده سیاسی پرسروصدایی به نام ارگنکون در ترکیه، ۲ مهر ۱۳۸۶، در منطقه بویوک چکمهجه استانبول با بیش از ۷۷ کیلو هروئین، بازداشت شد.

گفته می‌شود او که خود را با اسم مستعار کمال شریفی سیدانی معرفی کرده بود در جریان تحقیقات و به‌طور علنی در دادگاه، برای گرفتن تخفیف در مجازات، با مقامات برای شناسایی مسیرهای قاچاق مواد مخدر همکاری کرد. اما آزادی او احتمالاً تنها به دلیل دادن اطلاعات درباره تجارت بین‌المللی مواد مخدر نبود. گفته می‌شود او در عین حال چند صد هزار دلار به عنوان رشوه هزینه کرد و هم‌چنین در پرونده ارگنکون نیز همکاری‌هایی با مقامات ترکیه داشت. با این‌که دادستان برایش حکم سنگین حبس ابد درخواست کرده بود ولی او در نهایت آزاد شد.

ناجی ۲۶ مرداد ۱۳۸۹ با همان هویت جعلی از زندان مرخص شد و حدود دو ماه بعد در پرونده ارگنکون، به صورت مخفیانه و با نام مستعار «تزاز» (نام یکی از ماه‌های نجومی که در فارسی به آن میزان گفته می‌شود) علیه برخی از متهمان این پرونده شهادت داد. در این شهادت‌ها او از جمله ادعا کرد که قضات درگیر در پرونده کشف ۳۵۰ کیلو هروئین در اوکراین که متهمانش در ترکیه محاکمه می‌شدند، با دریافت رشوه‌ای معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار یورو، همه متهمان را آزاد کرده‌اند.

زندگشتی پس از آزادی هم علیه قضات پرونده خودش به اتهام دریافت رشوه به صورت علنی بیانیه داد. این همکاری‌های آشکار موجب شد او نزد قاچاقچی‌های دیگر به‌عنوان خرچین برجسب خورده و بدنام شود و چند سال بعد در جریان لو رفتن محموله دو تنی هروئین از کشتی یونانی «نور وان» در آتن، به‌عنوان مظنون اصلی افشای محموله هروئین، هزینه‌ای خونین پردازد. اما در این مقطع، ظاهر فعالیت‌های ناجی شریفی زندگشتی در رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که او هنوز با جمهوری اسلامی زاویه دارد و آینده‌اش را در ترکیه و سیاست آن کشور می‌بیند.

### تجارت بزرگ و معامله مرگ

۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، نفتکشی یونانی به نام نور وان، از دوی به سمت یونان راه افتاد و ۱۶ خرداد در بندر الفسینای یونان در غرب آتن پهلو گرفت. نور وان، حامل دست‌کم ۲ تن هروئین خالص بود که ۶ قاچاقچی مواد مخدر ساکن دوی، استانبول، بروکسل و آمستردام، با سرمایه‌گذاری مشترک پول خرید آن را داده بودند.

این کشتی به یک مرد یونانی به نام آفتیمیوس یانوساکیس تعلق داشت که سال ۲۰۰۹ به دبی مهاجرت کرده بود. او کشتی نور وان را سال ۲۰۱۲ اجاره و پرچم توگو را روی آن نصب کرد. یانوساکیس سال اول به قاچاق سوخت ایران مشغول شد و سوختی را که از طرف‌های ایرانی می‌خرید، به فردی به نام محمد دیزل، یک تاجر ایرانی، که در دبی با او آشنا شده بود، می‌فروخت.

محمد دیزل که در گزارش‌های مرتبط با کشتی نور وان، نام او بارها تکرار شده است، همان اسفندیار بلوچ، متولد ۱۳۵۰ در شهر خاش، هم‌بندی و رفیق قدیمی ناجی زندگشتی است که با هم از زندان اوین گریختند. اسفندیار که از طایفه ریگی در بلوچستان ایران است پس از فرار از زندان، مدتی طولانی را در کوئته پاکستان گذارند و آن‌جا به نام «شهید احمد» فعالیت می‌کرد. زندگشتی در مکاتبات ایمیلی با الکساندر کلاب، نویسنده گزارش تحقیقی کشتی خون‌آشام در وب‌سایت نیورپابلیک، از او با همین نام شهید احمد یاد می‌کند. در ادامه، برای اشاره به او، از همین نام محمد دیزل استفاده می‌کنم.

دیزل سپس به یانوساکیس پیشنهاد داد از کشتی او برای قاچاق مواد مخدر استفاده کنند. دیزل گفته بود خرید را او از پاکستان انجام می‌دهد و فروش را هم زندگشتی در استانبول هماهنگ می‌کند. با موافقت یانوساکیس و انجام چند جلسه با طرف‌های مختلف، دیزل

در نهایت موفق شده بود از گروهی از سرمایه‌گذاران در استانبول و اروپا، ۲۰ میلیون یورو برای خرید هروئین پول جمع کند؛ سرمایه‌گذارانی که به جز زیندشتی، اکنون همه کشته شده‌اند.

پس از جمع شدن پول، نشست‌های مشترکی هم در دبی برگزار می‌شود. هم زیندشتی در مکاتباتی ایمیلی و هم یانوساکیس در دیدار حضوری با الکساندر کلاب، انجام دیدارهای هماهنگی در لابی‌های هتل‌ی در اطراف پالم جمیرای دبی را در اسفند ۱۳۹۲ و فروردین ۱۳۹۳ تأیید کرده‌اند. زیندشتی هم همان زمان در فیس‌بوکش تصویری منتشر کرده که حضورش در دوی را در آن تاریخ تأیید می‌کند.

اما در یونان، ۱۷ خرداد ۱۳۹۳، چهار مرد سوار بر یک مرسدس شاسی‌بلند به کشتی نور وان مراجعه کرده و مواد مخدر جاسازی شده را با خود می‌برند. از آن طرف، ۲۱ خرداد، چهار روز بعد از پهلو گرفتن کشتی نور وان در ساحل الفسینا، شخصی به گارد ساحلی در آتن مراجعه کرده و در مورد جابه‌جایی حجم بزرگی از مواد مخدر در چند نقطه صنعتی و تفریحی نزدیک آتن به آن‌ها اطلاعات دقیقی داد. ۲۲ خرداد، گارد ساحلی با این اطلاعات، در دو نقطه جدا از هم در نزدیک آتن، به صورت تقریباً هم‌زمان یک تَن هروئین خالص را کشف کردند. آن روز و روزها و هفته‌های بعد، در چارچوب همین عملیات، بیش از ۳۰ نفر از جمله در آتن و دُبی بازداشت شدند. در نتیجه اعترافات یکی از بازداشتی‌ها، پلیس یونان، اول تیر ۹۳، به یک مرغداری در حومه آتن حمله کرد و یک تَن دیگر هروئین کشف شد. تاکنون این بزرگ‌ترین محموله کشف شده هروئین تاریخ اروپا است.

هم‌زمان ترتیبی داده شد که چند چهره اصلی بازداشت‌شده بتوانند فرار کنند. هدف پلیس، ردگیری آن‌ها برای رسیدن به مهره‌های اصلی پشت صحنه قاچاق این محموله بسیار بزرگ بود. کشتی هم در روزهای بعدی شناسایی و توقیف شده و خدمه‌اش بازداشت شدند. یکی از چهره‌های فراری داده شده، همان محمد دیزل (اسفندیار) بود، که خودش هم از جمله ۶ سرمایه‌گذار خرید محموله ۲ تَن هروئین کشتی بود. دیزل، پس از فرار به ترکیه رفت و با کمک گرفتن از دوست قدیمی‌اش ناجی شریفی زیندشتی به دُبی، محل اقامتش، بازگشت. اما سرمایه‌گذاران که ۲۰ میلیون یورو پول نقد بابت خرید هروئین پرداخت کرده بودند، از پولشان نمی‌گذشتند. ناجی قبلاً سابقه همکاری با پلیس را داشت و همه همکارانش هم این را می‌دانستند و همین معروف شدنش به خبرچینی، این جا کار دستش داد.

یکی از سرمایه‌گذاران هروئین کشتی نور وان، اواسط شهریور ۱۳۹۳، در ایمیلی به زیندشتی که بعداً به دست پلیس ترکیه افتاد، نوشت: «تو برنامه‌های ما را خراب کردی، علیه ما صحبت کردی، از ما دزدی کردی و ما را احق فرض کردی.» تهدیدی که زیندشتی متوجه جدی بودنش شد و به گفته خودش، پلیس را از آن مطلع کرد. اما او فکر نمی‌کرد برآورد اشتباه یا ناشیگری قاتلان موجب شود آنان به جای خودش، جان دختر جوانش را بگیرند. ناجی و لیلیا سه فرزند دارند. دو دختر و یک پسر. بزرگ‌ترین آن‌ها اوین بود که در ترکیه به نام آرزو شناخته می‌شد و دانشجو بود. اوین، ۱۹ ساله، ۱۰ صبح ۲۵ شهریور ۱۳۹۳، وقتی همراه «دوریم اوزتونچ»، ناپسری ۲۳ ساله عمه‌اش فیت، که راننده و محافظش هم بود، عازم دانشگاه بود در پشت چراغ قرمزی در منطقه بیوک چکمهجه، به جای پدرش هدف قرار گرفت. راننده در جا کشته شد و پورشه شاسی‌بلند که از کنترل خارج شده بود پس از برخورد با یک کامیون متوقف شد. اوین هم ساعاتی بعد در بیمارستان درگذشت.

ناجی زیندشتی در واکنش به این حمله گفت او فکر نمی‌کرده آن‌ها که یک شبکه بین‌المللی قاچاق مواد مخدر هستند با بچه‌ها کاری داشته باشند. زیندشتی گفت به دولت اطلاع داده بود و فکر می‌کرد تدابیر لازم اتخاذ خواهد شد.

زیندشتی نمی‌دانست کدام یک از شرکا، دختر او را هدف گرفته است و برای همین او عملاً همه را هدف گرفت، مجموعه‌ای از انتقام‌گیری‌های خونین از همه کسانی که او گمان می‌کرد در طراحی یا اجرای ترور دخترش دست داشته‌اند.

۲۰ آذر ۱۳۹۳، نخستین هدف در هلند کشته شد. مراد گارکی، از سرمایه‌گذاران هروئین نور وان در آمستردام کشته شد. پس از او نخستین قربانیان در ترکیه، حاجی عثمان سزن و تورگای آکار، دو سابقه‌داری بودند که اول دی ۱۳۹۳، باهم ترور شدند. پلیس بعداً اعلام کرد آن‌ها ضاربانی بودند که دختر ناجی زیندشتی را به دستور افرادی دیگری قتل رسیدند.

سه روز بعد، ۴ دی ماه، «علی‌اکبر آگکون»، یکی از سرمایه‌گذاران هروئین کشتی نور وان که ساکن بروکسل بود و به استانبول سفر کرده بود در یک اتومبیل بنتلی هدف گرفته شد و به قتل رسید. در همین روز، ودات شاهین برادر سادات شاهین و فردی توبال، محافظ و رفیق او با هم در نپسان‌تاشی استانبول کشته شدند.



اسفندیار رنگی که به نام محمد دیزل شناخته می‌شد

چند روز بعد هم، پیکر گلوله‌باران شده محمد دیزل، در دریای مرمره و در حالی که به لنگر یک کشتی زنجیر شده بود، یافته شد. زیندشتی بعداً در پیامی به یکی از همکارانش نوشت: «من او را تنبیه کردم، او را کشتم.» دیزل یا همان اسفندیار ریگی که سال‌ها با ناجی زیندشتی کار کرده و با هم از زندان گریخته بودند، در انتقام گرفتن‌ها هم در استانبول به او کمک کرده بود اما زیندشتی در عطش انتقام، به او هم مشکوک شده بود.

۱۰ دی‌ماه هم، روزنامه‌های هلند خبر از ترور اوکان فیدان، یک قاچاقچی کوکائین در آن کشور دادند که با یکی از سرمایه‌گذاران نور وان در شهر پاناما ارتباط داشت.

قربانی بعدی، پرویز کشاورز از طایفه فنکی از ایل شکاک ایران است که دو تابعیتی بود و در ترکیه به نام چتین کوچ شناخته می‌شد. پدر پرویز، جرجیس کشاورز، سال‌ها پیش در ایران به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شده بود. پرویز هم اگرچه خیلی دیرتر از ناجی زیندشتی، اما پا در راه پدرش گذاشته بود و مقیم دبی شده بود.



پرویز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ در منطقه مارینای دبی در اتومبیلش ترور شد. پلیس یک ایرانی و دو کانادایی را به عنوان ضاربان او شناسایی کرد، هرچند ضاربان از دوی گریخته بودند. دو ضارب کانادایی پیش از آن که به چنگ پلیس کانادا بیفتند، خیلی زود و تنها چند هفته پس از رسیدن به کانادا به قتل رسیدند.

براساس گزارش الکساندر کلاب، برادر پرویز هم دو سال بعد، در سال ۱۳۹۷، از خانه‌اش در تهران ربوده شد و جنازه‌اش مدتی بعد در یک سگدانی در جنوب شرقی ترکیه یافته شد.

یکی از کسانی که با او برای این گزارش صحبت کردم می‌گوید طایفه فنکی به خاطر قتل پرویز و برادرش که آنان می‌گویند به دستور ناجی زیندشتی صورت گرفته است، مترصد انتقام‌گیری از او هستند: «آن همه محافظ مسلح حتی در روستای پدری ناجی و در روز خاکسپاری مادرش، نه به خاطر ترس از باندهای رقیب که از تیررس آنان دور شده است که ناشی از ترسش از انتقام طایفه فنکی است که می‌داند رهایش نمی‌کنند.»

تقریباً ۹ ماه پس از یافتن جنازه برادر پرویز، در ۹ آبان ۱۳۹۶، قطب‌الدین کیا، از وکلای معروف ترکیه که وکالت اورهان اونگان، برادر و شریک یکی دیگر از سرمایه‌گذاران نور وان را بر عهده داشت، در حال صرف صبحانه با خانواده‌اش در استانبول هدف قرار گرفت و کشته شد. او ۱۷ روز پیش‌تر در آخرین جلسه دادگاهی که حضور داشت گفته بود در معرض تهدید است و ممکن است این آخرین جلسه کاری زندگی او باشد. ایلهان برادر اورهان که سرمایه‌گذار نور وان بود پیش‌تر در حین پیاده‌روی در استانبول ترور شده بود.

پس از آن که یونان در پیوند با محموله هروئین نور وان، برای زیندشتی حکم بازداشت بین‌المللی صادر کرد و از ترکیه تقاضای استرداد او را مطرح کرد، ۱۷ فروردین ۱۳۹۷، پلیس مبارزه با مواد مخدر ترکیه ناجی شریفی زیندشتی و ۹ نفر از همراهانش از جمله همسرش لیلا (نگار شریفی) را پس از دقایقی تیراندازی بازداشت کرد. لیلا تمرزاده، ساعاتی بعد به همراه سه نفر دیگر از بازداشتی‌ها آزاد می‌شود.

اما تنها ۶ ماه پس از بازداشت زیندشتی و در حالی که شواهد بسیار زیادی علیه او وجود داشت و در پیوند با ۱۰ مورد قتل عمد زیر بازجویی بود، با اعمال فشار برهان کوزو از چهره‌های ارشد و موسس حزب حاکم عدالت و توسعه، مشاور ارشد اردوغان و عضو کمیسیون قانون اساسی ترکیه، او ۱۹ مهر ۱۳۹۷ از زندان آزاد شد و بلافاصله به ایران رفت.

نکته مهم در پیوند با این آزادی، استدلال برهان کوزو برای خلاص کردن زیندشتی از زندان است. او به قاضی گفته بود آزادی ناجی زیندشتی، تأثیر مثبتی بر روابط ایران و ترکیه خواهد داشت. مشخص نیست این استدلال بازتاب خواست و نظر یک مقام دیپلماتیک یا امنیتی جمهوری اسلامی در پیوند با برهان کوزو بوده یا تنها ترفند کوزو برای تأثیرگذاری بر قاضی پرونده بوده است.

برهان کوزو، به‌خاطر همین موضوع به سوءاستفاده از مقام محکوم شد. چون براساس دادخواست دادستانی کل استانبول، او برای آزادی تاجر مواد مخدر ایرانی بارها با قاضی پرونده تماس گرفته بود. برای همین دادستانی برای او درخواست ۲ تا ۵ سال حبس کرد؛ برهان کوزو به تازگی بر اثر ابتلا به کرونا فوت کرد.

عالیه اوزون، یکی دیگر از چهره‌های حزب حاکم عدالت و توسعه در استانبول است که با زندگشتی در ارتباط بوده و او را به برهان کوزو معرفی کرده است. اوزون پذیرفته که در ازای دریافت نزدیک به ۲۳۰ هزار دلار که خودش دستمزد می‌خواند، خواسته برای دریافت حق شهروندی ترکیه به زندگشتی کمک کند اما تلاش‌هایش به جایی نرسیده است.



### قاچاقچی دیروز، قاتل اجاره‌ای امروز

اما یک جرعه لازم بود تا نام ناجی شریفی زندگشتی که برای مردم در ترکیه نام ناآشنایی نبود، باز به صدر خبرها برگردد و ایرانی‌ها هم این بار او را بشناسند. این جرعه با پس‌لرزه‌های ریودن حبیب اسپود، فعال عرب اهوازی در ترکیه و انتقال او به ایران زده شد. ۲۳ آذر ۹۹، رسانه‌های ترکیه از روابط وزارت اطلاعات ایران با ناجی شریفی زندگشتی خبر دادند. روابطی که گفته شد از سال ۱۳۹۴ شروع شده و بر ترور و ریودن مخالفان حکومت ایران در ترکیه متمرکز بوده است.

اعترافات بختیار فرات، از اقوام زندگشتی هم که آبان سال جاری، در ترکیه بازداشت شد، شواهد دال بر همکاری این قاچاقچی بین‌المللی با دستگاه‌های امنیتی ایران را بیش‌تر کرد. البته ناجی زندگشتی روز پنج‌شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۹ در گفت‌وگویی ویدیویی با سعید شفا، روزنامه‌نگار ترک گفت اعترافات بختیار فرات، در جریان ۴۵ روز بازداشت او و زیر شکنجه گرفته شده است و بی‌اساس و دروغ است. ۱۳۹۴ سالی است که زندگشتی به اتهام قتل مخالفانش در ترکیه زیر نظر قرار گرفت. او ظاهراً در چارچوب سیاست دائمی‌اش مبنی بر داشتن یک پایگاه در قدرت، متوجه امکان ادامه زندگی در ایران شد و بنا بر ادعاهای مطرح‌شده در رسانه‌های ترکیه، از این تاریخ بود که همکاری با دستگاه‌های اطلاعاتی ایران را برای تضمین آینده‌ای ایمن شروع کرد.

۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، سعید کریمیان و شریک کوییتی او محمد متعب شلاحی، در خودروی شخصی در محله ساری‌یر استانبول در حمله مسلحانه به قتل رسیدند. ضاریان دو نفر بودند اما براساس اعلام پلیس ترکیه یکی از آن‌ها که فراری است، علی کوچاک، راننده و محافظ زندگشتی است

۲۳ آبان ۱۳۹۸، مسعود مولوی، موسس کانال تلگرامی جعبه سیاه در یکی از خیابان‌های استانبول ترور شد. به گفته مقام‌های امنیتی ترکیه، عامل این قتل، عبدالوهاب کوچاک، باغچه‌بان ویلای زندگشتی در استانبول و برادر علی کوچاک است؛ به نظر می‌رسد این متهم، بازداشت شده است.

مقام‌های امنیتی ترکیه می‌گویند ۲ مهر ۱۳۹۹، حبیب اسپود، فعال عرب اهوازی را تیمی از باند زندگشتی از ترکیه ربوده و تحویل ایران داده‌اند. تیمی که بنا بر خبرها اکنون ۱۳ نفر از آنان از سوی دستگاه امنیتی ترکیه بازداشت شده‌اند.

اما زندگشتی که مدتی تقریباً طولانی از انظار عمومی پنهان مانده بود، از روزی که به ایران بازگشته است، زندگی علنی دارد. او پس از گریختن از ترکیه، به همکاری‌اش با دستگاه اطلاعاتی ایران به صورت علنی ادامه داده است و به گفته منابعی، تجارت مواد مخدرش را هم مدیریت کرده است.

ناجی شریفی زندگشتی در این مدت، برچی به نام مادرش در ارومیه ساخته است و خانه‌سازی بسیاری در روستای محل تولدش انجام داده است.

اما زندانی محکوم به حبس ابد فراری که در حین فرار هم سرباز محافظی را کشته است، احتمالاً در یک پرونده مهم دیگر قتل حکومتی در خارج از کشور هم نقشی بسیار مهم ایفا کرده است. پرونده قتل قاضی منصور در رومانی.

### قتل قاضی منصور در رومانی

بیشتر اشاره شد که حسین کریمی ریک آبادی، پسر دایی ناجی شریفی زندگشتی است. ریک آبادی ۷۳ ساله، متولد روستای ریگ‌آباد ارومیه، که با نام «حسین سلیم‌خوانی» هم شناخته می‌شود از قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر است. او نخستین بار در سال ۱۳۴۹ به خاطر قاچاق مواد مخدر بازداشت شد. پس از انقلاب، در ابتدای دهه ۶۰ به ترکیه رفت و بعد از مدت کوتاهی زندگی در آن‌جا، به دلیل خطر زندان و احتمال دیپورت به ایران، عازم رومانی شد و در این کشور ماندگار شد.

او بیش از ۲۵ سال در این کشور زندگی کرد و یکی از کارتل‌های اصلی مواد مخدر و تبه‌کاری در بخارست را تاسیس و مدیریت می‌کرد. در این سال‌ها او را در محافل بین‌المللی هروئین با عنوان حسین دایی می‌شناختند. کریمی ریک‌آبادی، از سال ۱۳۷۵ در رادار اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا قرار گرفت و نهایتاً ۲۸ اسفند ۱۳۸۵ در حال تلاش برای سفر از اتریش به جمهوری آذربایجان بازداشت شد به آمریکا تحویل داده شد.

دادستانی جنوب استان نیویورک، در بیانیه‌ای اعلام کرد ریک‌آبادی مسئول توزیع هزاران کیلوگرم هروئین در جنوب غرب آسیا، اروپا و آمریکا است و در صورت محکومیت در دادگاه، با حداکثر حبس ابد و حداقل ۱۰ سال زندان مواجه خواهد شد. اما چون بخشی از تحقیقات مقدماتی در مورد حسین کریمی ریک‌آبادی که در کشور رومانی انجام شده بود، با موازین قضایی آمریکا همخوانی نداشت، او نهایتاً بعد از گذراندن حدود ۵ سال در زندانی در نیوجرسی، به ایران برگردانده شد و اکنون در ارومیه زندگی می‌کند.

با توجه به سابقه اقامت طولانی پسر دایی ناجی زیندشتی در بخارست و امپراتوری عظیمی که برای تجارت مواد مخدر در این کشور برپا کرده بود، بدیهی است که او هنوز در حلقه‌های مافیایی بخارست، آشناهایی دارد. آیا حلقه مفقوده مرگ قاضی مشهور جمهوری اسلامی در بخارست که گفته شد خودکشی بوده اما شواهد و قراین فراوانی از احتمال قتل او در مطبوعات رومانی منتشر شد را باید در همکاری‌های ناجی زیندشتی با امنیتی‌های ایران جست‌وجو کرد؟

قاضی منصوری، با توصیه وزارت خارجه ایران در شرایطی که نگران بود در آلمان به خاطر شکایت‌ها از نقشش در نقض حقوق بشر بازداشت شود، به‌جای هر کشور دیگر دنیا، به رومانی هدایت شد؛ جایی که دستگاه امنیتی ایران به گفته منبعی که با من صحبت کرد، «امکان و آدم لازم را برای حذف او داشت.»

«ریک‌آبادی آن‌جا یک کارتل فعال دارد و آدم‌هایش هم همه‌جا هستند. او از ترس بازداشت جرات نمی‌کند از ایران خارج شود و در ایران هم مسلح می‌گردد. این‌جا (در ایران) مراقبش هستند و او هم به حکومت خدماتش را ارائه می‌دهد.»

به گفته این منبع، رابطه فامیلی و کاری ریک‌آبادی و زیندشتی خیلی مستحکم است و همین اواخر، چندی بعد از کشته شدن قاضی منصوری، در ارومیه گفته شد ناجی برای ریک‌آبادی عمارت اعیانی گران‌قیمتی خریده است.

شیوه عملکرد پلیس و دستگاه قضایی رومانی و بی‌توجهی سفارت جمهوری اسلامی در آن کشور به اعلام خطر قاضی منصوری، همه تکه‌هایی از یک پازل هستند؛ پازلی که به اراده دستگاه‌های امنیتی در سال‌های اخیر، چیدن و طراحی‌اش به گروه‌های تبهکاری خارج از کشور سپرده شده است. از گروه زیندشتی در ترکیه تا کارتل ریک‌آبادی در رومانی.

گروه‌های دیگری و چگونه شناسایی خواهند شد؟



### ناجی شریفی زیندشتی؛ کارتل مواد مخدر یا خیری انسان دوست؟!

مدیرکل کمیته امداد آذربایجان غربی در مراسمی از فعالیت‌های ناجی شریفی زیندشتی قاچاقچی معروف مواد مخدر و یکی از عناصر وابسته به سپاه و گروه تروریستی پ.ک.ک، تجلیل کرد.

در ماه ۸ آوریل سال ۲۰۲۲، عزیز سهندی، مدیرکل کمیته امداد با حضور در دفتر به اصطلاح موسسه نیکوکاری ستاره زیندشت، از فعالیت‌های این مجموعه و ناجی شریفی زیندشتی تقدیر کرد.

کانال این موسسه به اصطلاح خیریه درباره این مراسم می‌نویسد: در این جلسه صمیمی آقای شریفی ضمن تشریح فعالیت‌های موسسه، افزود؛ جامعه امروز بیش از آن‌که به بسته‌های معیشتی نیاز داشته باشد، به مدارس و جامعه‌ای آگاه نیاز دارد تا بتواند در آینده نسلی باسواد و نیروی بانگیزه جهت خدمت به جامعه و کشور تربیت کرد.

شریفی در ادامه از موانع پیش رو در اشتغال‌زایی را برشمرد و گفت: امروزه اگر این موانع نبود می‌توانستیم بزرگترین صنایع را در استان راه‌اندازی و برای صدها نفر اشتغال‌زایی کنیم و این یک نیز جز با اراده و همتی مضاعف امکان‌پذیر نخواهد بود و ابراز امیدواری کرد مسئولین استانی در این راه با کارآفرینان همکاری لازم را به عمل آورند.

رسانه‌های ترکیه در آذر ماه ۱۳۹۹، با اشاره به بیانیه سازمان اطلاعات این کشور درباره ربایش «حبیب اسبوع» و انتقال او به ایران، جزئیات بیشتری درباره این آدم‌ربایی منتشر کرده‌اند. این رسانه‌ها، جملگی، از «ناجی شریفی زیندشتی» به عنوان مدیر عملیات در خاک ترکیه نام برده و برخی رسانه‌های ترک نیز نوشته‌اند قاتلان «مسعود مولوی» و «سعید کریمیان» نیز از نزدیکان زیندشتی بودند. بعد از ربوده شدن «فرج‌الله چعب»، ملقب به حبیب اسبوع، رهبر سابق «جنبش آزادی‌بخش الاحواز» و انتقال او به ایران، سازمان اطلاعات ترکیه (میت) اعلام کرد تاکنون ۱۳ شهروند این کشور به ظن جاسوسی برای حکومت ایران بازداشت شده‌اند. رسانه‌های ترکیه در گزارش‌های خود نوشته‌اند که این گروه آدم‌ربایی توسط یک قاچاق‌چی شناخته شده مواد مخدر به نام «ناجی شریفی زیندشتی» مدیریت می‌شده است.

پیشتر در ۱۳ دسامبر نیز روزنامه «واشنگتن پست» چاپ آمریکا از قول یک مقام ترکیه‌ای جزئیاتی را از ربوده شدن حبیب اسبوع منتشر کرده بود. در این گزارش آمده بود که اسبوع از طریق زنی به نام «صابرین س.» که مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی بود از سوئد به ترکیه کاشانده شد و قاچاق‌چی مواد مخدر، ناجی شریفی زیندشتی، وظیفه انتقال او را به ایران برعهده داشت. بر اساس گزارش‌های مختلف در رسانه‌های ترکیه، ناجی شریفی زیندشتی رهبر یک کارتل مواد مخدر است که حدود ۱۳ سال پیش در ایران در یک پرونده قاچاق به اعدام محکوم شد و به ترکیه گریخت. بنابر همین گزارش‌ها، زیندشتی در ترکیه نیز به خاطر جرایم زیادی از جمله قاچاق مواد مخدر، تشکیل یک گروه تبه‌کار مسلح، آدم‌ربایی و قتل، حدود دو سال پیش به حبس ابد محکوم شد. اما او فقط شش ماه در زندان ماند و بعد آزاد شد. به نوشته روزنامه خبر ترک، قاضی «ج. او» که دستور آزادی زیندشتی را صادر کرد در تحقیقات اخیر گفته است این حکم در پی فشارهای «برهان کوزو»، نماینده وقت پارلمان ترکیه، صادر شد. برهان کوزو چند ماه پیش در پی ابتلا به کرونا جان باخت.

رسانه‌های ترکیه جملگی نوشته‌اند که زیندشتی در حال حاضر در ایران است. رسانه‌های ترکیه با اشاره به اطلاعیه سازمان اطلاعاتی این کشور، هریک گزارشی جداگانه درباره این ربایش منتشر کرده و برخی از آن‌ها به جزئیات بیشتری اشاره داشته‌اند.

خبرگزاری آنا تولی، در گزارشی که روز دوشنبه ۱۴ دسامبر منتشر شد به نقل از منابع امنیتی نوشت که در پرونده ربایش فرج‌الله چعب در ترکیه و انتقال او به ایران به دست باند زیندشتی، «۱۳ نفر همچنان در بازداشت هستند و دو مظنون نیز به طور موقت آزاد شده‌اند.» این خبرگزاری با استناد به گزارش نهادهای امنیتی نوشت: «برادرزن زیندشتی نقشی فعال در عملیات ربایش فرج‌الله چعب داشت و در ماه اوت (چهار ماه پیش) به ایران سفر کرده بود. در ایران، او به همراه ناجی شریف زیندشتی و شریکش، «نیهایت آشان»، چند جلسه در تهران و ارومیه با عوامل اطلاعاتی داشت. محور این جلسات فرج‌الله چعب بود و در نهایت نیز مقرر شد ملاقاتی بین صابرین س. و چعب در استانبول صورت گیرد.»

به نوشته این خبرگزاری، برادر زن زیندشتی هفتم اکتبر وارد ترکیه شد و گروه عملیاتی شکل گرفت. یک روز بعد نیز صابرین س. با گذرنامه جعلی وارد استانبول شد. چعب نیز همان شب از طریق هوایی به استانبول رسید و بعد از رفتن به منطقه «بیلیک دوزو» که با صابرین قرار داشت سر از خودرو و ن درآورد.»

این خبرگزاری در ادامه آورده است: «بعد از بیهوش کردن چعب در مینی‌بوس، وی به قاچاقچیان تحویل داده شد. آن‌ها بعد از بستن دست و پای چعب او را دهم اکتبر به خانه‌ای در شهر وان می‌برند و بعد او را به صورت غیرقانونی به ایران منتقل می‌کنند. صابرین نیز همان روز از راه‌های غیرقانونی به ایران باز می‌گردد.»

روزنامه خبر ترک نیز در گزارشی با استناد به گزارش سازمان اطلاعات ترکیه (میت)، صابرین س. را «همسر سابق» چعب معرفی کرده و نوشته است زیندشتی «چعب را که ۱۴ سال اخیر ساکن سوئد بود، با استفاده از همسر سابقش فریب داد و او را به استانبول کاشاند. بعد او را در مینی‌بوسی در یک پمپ بنزین در محله بیلیک دوزو بیهوش کردند و بعد از انتقال وی به وان، او را به ایران بردند.» این روزنامه، هم‌چنین گزارش داده است که همسر سابق چعب با این وعده که ۱۰۰ هزار یورو به او قرض خواهد داد او را از سوئد به استانبول کاشاند.

روزنامه حریت نیز به نقل از شبکه خبری سی‌ان‌ان ترک در گزارش خود از عملیات سازمان اطلاعات ترکیه می‌گوید: «ما در مورد یک عملیات مهم صحبت می‌کنیم. چهره‌های مخالف ایران و افرادی که در خارج از این کشور زندگی می‌کنند به صورت دائم ربوده و به ایران منتقل می‌شوند و آنجا نیز اعدام می‌شوند. اکنون یک عملیات مهم توسط میت (سازمان اطلاعات ترکیه) انجام شده و مظنونان شناسایی و بازداشت شده‌اند. در روزهای اخیر، بعد از این‌که حبیب اسبوع، ایرانی مخالف ساکن سوئد، در ترکیه ربوده و به ایران انتقال یافت، سازمان اطلاعات ترکیه عملیات گسترده‌ای را آغاز کرد. طبق تحقیقات سازمان‌های اطلاعاتی، ربایندگان چعب توسط زندانی فراری زیندشتی هدایت می‌شدند که بعد از ربودن چعب وی را به ایران منتقل کردند. در این رابطه ۱۱ نفر از اعضای این گروه بازداشت شده‌اند.»

روزنامه صباح نیز گزارشی در این باره منتشر کرده و علاوه بر این‌که نام کامل آن زن و هم‌چنین نام برادر همسر زیندشتی را درج کرده، به برخی زمان‌های دقیق نیز اشاره کرده است.

صبح با اشاره به عملیات نیروهای امنیتی ترکیه در سه استان این کشور می‌نویسد: «برادر زن زیندشتی، «بختیار ف»، به همراه نیهایت آشان نقشه آدم‌ربایی را عملی کردند. حبیب فرج‌الله چعب در ۹ اکتبر برای ملاقات با افسر اطلاعاتی ایرانی، صابرین سعیدی، از سوئد به استانبول آمد. وی ساعت ۱۸:۳۰ وارد خط کنترل گذرنامه شد و در ساعت ۱۸:۴۷ کنترل گذرنامه انجام شد. او ساعت ۱۸:۴۹ چمدان

خود را از روی ریل دریافت چمدان برداشت و در ساعت ۱۸:۵۱ منطقه گذرنامه را ترک کرد. در ساعت ۱۹:۱۸ وارد یک فروشگاه تلفن شد و ساعت ۱۹:۲۲ از فروشگاه بیرون رفت و در صف تاکسی ایستاد. ساعت ۱۹:۴۲ فرودگاه را ترک کرد.» به نوشته صباح، چعب بلیط برگشت رزرو شده از استانبول به مقصد سوئد را داشت اما در تاریخ مقرر سوار هواپیما نشد.»

صبح در ادامه، درباره نحوه ربایش چعب می‌نویسد: «سه تن از مظنونان، یعنی بختیار، ف، «ف. د.» و «ف. ف.» در تاریخ ۹ اکتبر وارد فروشگاه در اسن‌پورت شده و در آن‌جا دستبند پلاستیکی و دستمال پارچه‌ای خریدند. آن‌ها بعد از این‌که چعب و صابرین در پمپ بنزین یکدیگر را دیدند، چعب را در مینی‌بوس بیهوش کرده و به شهر وان بردند. سپس او را به‌طور غیرقانونی به ایران منتقل کرده و به ماموران اطلاعاتی تحویل دادند.»

این روزنامه، هم‌چنین در گزارش خود به قتل دو ایرانی دیگر در ترکیه نیز اشاره کرده و نوشته است قاتلان آن دو نیز در گروه عملیات ربایش فرج‌الله چعب بودند.

«سعید کریمیان»، مدیر شبکه‌های تلویزیونی چم، سه سال پیش در استانبول به ضرب گلوله افراد ناشناس کشته شد. «مسعود مولوی»، از منتقدان جمهوری اسلامی و مدیر کانال تلگرامی «جعبه سیاه» نیز سال گذشته در استانبول کشته شد.

به نوشته روزنامه صباح، فرد مظنون به قتل کریمیان در واقع راننده و محافظ شخصی زیندشتی است و «علی» نام دارد. ضارب مسعود مولوی نیز برادر علی ک. است که باغبان زیندشتی است.

### بازدید فرماندار ارومیه از پروژه‌های «ناجی شریفی زیندشتی»

این پروژه‌های به ظاهر خیرخواهانه توسط زیندشتی در «ممکان» یکی از روستاهای مرزی ارومیه اجرایی می‌شود. «غلامحسین عماری» فرماندار ارومیه به همراه «جعفر ظرف فروش» معاون امنیتی سیاسی فرماندار و «اکبر صابری» معاون عمرانی فرمانداری و «سعید حقیقی» بخشدار صومای برادوست ضمن بازدید از این پروژه‌ها، از اقدامات به ظاهر خیرخواهانه این قاچاقچی بین‌المللی تقدیر کردند.

در فروردین ماه ۱۴۰۱ نیز «عزیز سهندی»، مدیرکل کمیته امداد امام خمینی آذربایجان غربی «ناجی شریفی زیندشتی»، قاچاقچی تحت تعقیب بین‌المللی را «خیر» نامید و از وی تقدیر کرد. شبکه استانی آذربایجان غربی وابسته به صداوسیما ایران نیز گزارشی از پخش ۲۵۰۰ بسته معیشتی بین خانواده‌های گُرد توسط موسسه به ظاهر خیریه «ستاره زیندشت» متعلق به این قاچاقچی بین‌المللی را منتشر و در صدد تطهیر فعالیت‌های تروریستی وی برآمد.

«رضا میلان» نیز یکی دیگر از گردانندگان گروه‌های مافیایی، تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران است که همانند «ناجی شریفی زیندشتی» زیر نظر سپاه پاسداران در پول‌شویی، قاچاق مواد مخدر، سلاح و انسان فعالیت دارد و از این طریق، سودهای کلانی کسب می‌کند. او مالک باشگاه «میلان» است.



### بازگشت بابک زنجانی به صحنه اقتصاد مافیایی جمهوری اسلامی ایران

بابک زنجانی در همه صحنه‌های مافیایی اقتصادی ایران حضور دارد. از قاچاق طلا و پول‌شویی تا عرصه باشگاه‌های فوتبال و... مدتی است نام بابک زنجانی اطراف باشگاه پرسپولیس به گوش می‌رسد. خیلی‌ها تصور می‌کنند این یک بازی رسانه‌ای از سوی ابریدهکار بانکی کشور برای جلب توجه است، اما اطلاعات به دست آمده حکایت از یک پروژه وسیع دارد. ارتباط باشگاه پرسپولیس و بابک زنجانی بخشی از پازل این پروژه است.

حضور بابک زنجانی در فوتبال به دهه ۹۰ و خرید باشگاه راه آهن تهران، قدیمی‌ترین باشگاه ایران، برمی‌گردد. زنجانی از همان زمان ارتباط خود را با اهالی فوتبال از جمله چهره‌هایی چون علی پروین و علی دایی و دیگران جدی کرد. تصاویر تخته بازی کردن چهره سرشناس فوتبال ایران و بابک زنجانی محصول همان دوره است.

بعد از دستگیری زنجانی باشگاه راه آهن به یک هلدینگ دیگر واگذار و در نهایت سال ۱۳۹۸ منحل شد. گفته می‌شد در همان مقطع زنجانی مثل حسین هدایتی، دیگر ابریدهکار بزرگ بانکی کشور به دنبال خرید باشگاه پرسپولیس بود. اتفاقی که رخ نداد، اما ثابت کرد

چهره‌های جنجالی اقتصادی متوجه اهمیت تملک یکی از دو باشگاه بزرگ پایتخت هستند. احتمالاً زمانی که بابک زنجانی دستگیر شد با خودش فکر می‌کرد اگر مالک پرسپولیس بود، به این راحتی‌ها نمی‌توانستند نزدیکش شوند. درست مثل شرایطی که در حال حاضر دیگر مالک ثروتمند یکی از باشگاه‌های پرتعداد دارد!

این بار، اما نزدیک شدن زنجانی به پرسپولیس و اقدامات تحریک‌آمیزی نظیر استوری کردن لوگوی باشگاه یا فالو کردن بازیکنان این تیم، چیزی فراتر از ایجاد سپر دفاعی با استفاده از سرمایه اجتماعی هواداران است. این بخشی از پروژه خوشنام کردن فردی است که روزی گفته می‌شد از جیب هر ایرانی، میلیون‌ها تومان کش رفته است.

همان‌طور که گفته شد پرسپولیس و استقلال به‌عنوان دو ابر برند کشور سرمایه اجتماعی فوق‌العاده‌ای دارند. اگر کسی بتواند مالکیت این دو باشگاه را برعهده بگیرد و هواداران را با نتایج قابل قبول راضی نگه دارد، از چنان محبوبیتی برخوردار می‌شود که آن سرش ناپیدا. همین سرمایه اجتماعی بزرگ باعث شد سال‌ها نهادهای امنیتی در واگذاری این دو باشگاه حساسیت به خرج بدهند. سؤال این بود که اگر روزی مالک سرخابی‌ها بخواهد از چارچوب خارج شود، با این حجم هوادار چه می‌توان کرد؟ برای همین در نهایت دو باشگاه به دو بنگاه خصولتی متمایل به حاکمیت واگذار شدند تا عنان کار از دست نرود؛ هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس و کنسرسیوم بانکی.

بابک زنجانی برای پاک کردن آن سابقه منفی، نیاز به سرمایه اجتماعی دارد و در این مسیر چه چیزی بهتر از مالکیت پرسپولیس؟ همین حالا که او هنوز به باشگاه وارد نشده، بسیاری از هواداران برایش غش و ضعف می‌کنند، چون تصور می‌کنند با حضور او پرسپولیس، رئال مادرید می‌شود! با این حال برخی رسانه‌ها گمانه‌زنی کردند که نه حاکمیت حاضر می‌شود پرسپولیس را به او بدهد نه بانک شهر با وجود سود سرشار ناشی از مالکیت پرسپولیس، سهامش را می‌فروشد. با این حال برخی منابع آگاه به خبرنگار رویداد ۲۴ اطلاع دادند برخی مقامات تأثیرگذار در کشور مدافع واگذاری پرسپولیس به بابک زنجانی هستند!

یک منبع آگاه در این زمینه به خبرنگار رویداد ۲۴ گفت وزیر ورزش و جوانان در یک جلسه خصوصی هنگام بحث در مورد احتمال فروش پرسپولیس به زنجانی از این اقدام استقبال کرده و مخالفتی نشان نداده است. احمد دنیامالی وزیر ورزش و جوانان چهره نزدیک به محمدباقر قالیباف رییس مجلس در دولت پزشکیان است. انتخاب او در روزهای نخست شائبه «سهمیه رییس مجلس» در دولت را تقویت می‌کرد. استقبال وزیر ورزش از احتمال فروش پرسپولیس به زنجانی نشان‌دهنده نزدیکی این ابردهکار بانکی سابق به برخی کانون‌های قدرت در کشور است.

این منبع آگاه در مورد مخالفت بانک شهر با فروش سهام پرسپولیس نیز گفت: همان‌طور که یک روز از بالا به آن‌ها گفته شد سهام پرسپولیس را بخرید ممکن است یک روز به آن‌ها گفته شود سهام پرسپولیس را بفروشید.

در صورتی که بابک زنجانی پرسپولیس را در اختیار بگیرد با خرید چند ستاره بزرگ، که هزینه‌اش برای فردی مثل زنجانی پول خرد هم به حساب نمی‌آید، او می‌تواند تبدیل به یک چهره محبوب در کشور شود. در این شرایط اگر مشخص شود او بخشی از راهبرد کشور برای پیشبرد سیاست‌های خارجی است، دیگر کسی معترض نخواهد شد؛ مگر هواداران استقلال!

### آزادی بابک زنجانی از زندان و بازگشت پر قدرت او به اقتصادی مافیایی ایران

در حالی که بانک مرکزی از بدهی سنگین بابک زنجانی به سیستم مالی کشور خبر می‌دهد، او نه تنها از مجازات اعدام گریخت، بلکه امروز هم خود را سرمایه‌گذار بزرگ معرفی کرده و با تشریفات رسمی در محافل اقتصادی حاضر می‌شود؛ روندی که افکار عمومی را با موجی از سؤال و بی‌اعتمادی مواجه کرده است.

به گزارش تجارت نیوز، روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: درباره این شخص، ذهن مردم پر است از انواع سؤال‌های بدون جواب که سکوت مسئولین مربوطه و یا توجیهات غیرموجه آنان نگرانی‌ها را بیش‌تر می‌کند.

یک سؤال اینست که چرا یک مفسد اقتصادی که به اعدام و رد مال محکوم شده بود، فقط با پذیرفتن رد مال از اعدام رهایی یافته است؟ حکم این بود که علاوه بر رد مال، اعدام هم بشود ولی با این توجیه عجیب که چون پذیرفته اموال به غارت برده را پس بدهد، حکم اعدام لغو شده است!

سؤال دیگر اینست که برخلاف ادعای برگرداندن اموال، بانک مرکزی می‌گوید بابک زنجانی یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورو به سیستم مالی کشور بدهکار است و غیر از ۱۵ میلیون دلار هیچ پرداختی نداشته است. با اینحال چگونه او توانسته از حکم اعدام خلاصی یابد و از زندان نیز خارج شود؟

مهم‌تر این که یک مفسد اقتصادی با این همه بدهی به سیستم مالی کشور می‌گوید من آماده‌ام ۵۰ میلیارد دلار پشت دست کشور بگذارم و خود را صاحب بزرگ‌ترین شرکت تاکسیرانی و ریلی و باربری می‌داند.

او در حالی که محکوم و صاحب سنگین‌ترین پرونده فساد اقتصادی است چگونه توانسته به سرعت این همه ثروت به دست بیاورد؟ سؤال اساسی‌تر اینست که در کشوری که دچار بحران اقتصادی است و در آن ده‌ها میلیون نفر زیر خط فقر به سر می‌برند، چگونه یک مفسد اقتصادی که در مسیر زندان و تجارتخانه در رفت‌وآمد است می‌تواند به این همه امکانات دست یابد، با محافظان و اطرافیان و تشریفات وارد نمایشگاه شود و مورد استقبال رسمی قرار گیرد و در مصاحبه‌ها خود را طلب‌کار نشان دهد؟

تجارت نیوز می‌نویسد: حضرات مسئولان برای عبور از این سؤال‌ها به هر توجیھی متوسل شوند نمی‌توانند افکار عمومی را قانع کنند. این مانورهای قدرت یک مفسد بزرگ اقتصادی به معنای ادامه جریان فساد در جامعه‌ای است که مردم آن به شدت فساد گزیده‌اند و در آرزوی مبارزه بی‌امان با فساد هستند.

بابک زنجانی با نام کامل بابک مرتضی زنجانی متولد ۱ فروردین ۱۳۵۳، تهران- تاجر، کارآفرین و سرمایه‌دار ایرانی است که بیش از ۷۰ شرکت از جمله شرکت هلدینگ توسعه سورینت قشم، اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در مالزی، سهامدار شرکت هواپیمایی انور ترکیه، موسسه مالی اعتباری در امارات و بانک ارزش تاجیکستان، برخی از دارایی‌های وی می‌باشد. خود زنجانی در خصوص فعالیت‌های اقتصادی‌اش گفته: «هم‌اکنون در ایران و دیگر کشورهای دنیا با ۱۷ هزار پرسنل مشغول ارائه تجارت و خدمات هستم».

وی در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۲ توسط دادستانی کل کشور بازداشت شد. براساس اظهارات بیژن نامدار زنگنه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کمیسیون اصل ۹۰، اتهامات وی بدهی بیش از دو و نیم میلیارد یورو به وزارت نفت و بانک مرکزی و هم‌چنین جعل اسناد بانکی با پرداخت رشوه به بانک ملی تاجیکستان. نام وی هم‌چنین در پرونده رضا ضراب، ایرانی دستگیرشده در ترکیه به اتهام قاچاق طلا مطرح شده است.

بابک زنجانی به گفته خودش دارای بیش از ۷۰ شرکت از جمله شرکت هولدینگ توسعه سورینت قشم، اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در مالزی، سهامدار شرکت هواپیمایی انور ترکیه، مؤسسه مالی اعتباری در امارات و بانک ارزش تاجیکستان است. او هم‌چنین شرکت‌هایی در دوی، ترکیه و تاجیکستان دارد. در یکی از قطع‌نامه‌های تحریم اتحادیه اروپا که از او اسم برده شده ۱۵ شرکت منتسب به او نام برده شده است.

به گفته خود زنجانی، زمان سرپاوردن به سپاه اردکان اعزام شده است. در اردکان چون مرتب تر بود و تمیزتر می‌نوشت به قرارگاه فرماندهی سپاه منتقل شد. بعد از حدود ۱۳ تا ۱۴ ماه با دیدار اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس جمهور سابق ایران از قرارگاه سپاه و تاکید بر نیاز برخی مراکز، از جمله بانک مرکزی به سرپاز، وی را به عنوان سرپاز به بانک مرکزی تهران می‌فرستند.

بابک زنجانی چندی بعد راننده محسن نوربخش، رییس وقت بانک مرکزی می‌شود. او در آن‌جا غیر از رانندگی کار ثبت نامه‌ها را هم بر عهده می‌گیرد. زنجانی بعد از اتمام دوره سرپازی به دلیل این‌که «صاحب چند کارت» برای دلالتی بانک مرکزی بود تصمیم می‌گیرد در تزریق دلارهای بانک مرکزی برای کنترل بازار فعالیت کند.

زنجانی می‌گوید، نخستین ارزی که از بانک مرکزی برای توزیع گرفته ۱۷ میلیون دلار بوده؛ کارمزدی که بابت توزیع آن دریافت کرده هم ۱۷ میلیون تومان بوده است. او هر روز ۱۷ میلیون دلار از بانک می‌گرفت و پخش می‌کرد و ۱۷ میلیون تومان هم سود دریافت می‌کرده است.

زنجانی پس از درگذشت نوربخش تصمیم می‌گیرد «سالامبور» فروش شود، یعنی پوست گوسفند به خارج از ایران بفروشد. او پوست گوسفندان را می‌خرد، سپس دباغی کرده و بعد به گفته خود، آن‌ها را به ترکیه می‌فرستاد. زنجانی می‌گوید، در نخستین کانتینری که به ترکیه فرستاد هر «سالامبور» برایش نیم دلار تمام شد؛ اما آن‌ها را در ترکیه به ۱۹ تا ۲۰ دلار فروخت و پولش یک‌باره چندبرابر شد. او کارش را با ۵ هزار پوست شروع کرد و سودهای کلانی عایدش شد؛ همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه در سال ۱۹۹۶ میلادی ورشکست شد و به زندان افتاد.

روایت بابک زنجانی در مورد چگونه میلیارد شدن‌اش، توسط مسئولین وقت بانک مرکزی و رییس دفتر دکتر نوربخش تکذیب شده است.

یزدان‌پناه، رییس دفتر دکتر نوربخش، با صراحت می‌گوید: مرحوم نوربخش هیچ‌گاه راننده‌ای به نام بابک زنجانی نداشته است. هم‌چنین شخصی که خود را یکی از دستیاران ارشد بابک زنجانی خوانده است، در گفتگو با تدبیر خبر گفته: «ریشه ثروت او، بر خلاف روایتی که سر زبان‌ها انداخته بود به نیمه سال ۹۰ می‌رسید و برخلاف آن‌چه که ادعا می‌کند رابط نوربخش، رییس بانک مرکزی در دولت هاشمی رفسنجانی برای تزریق ارز به بازار نبوده و ادعای زنجانی مبنی بر میلیونر شدن در زمان سرپازی را افسانه اعلام کرد.»

او در دسامبر ۲۰۱۲ توسط اتحادیه اروپا به دلیل آن‌چه «کمک به دور زدن تحریم‌ها از طریق داشتن نقش کلیدی در تجارت نفت ایران و انتقال پول مربوط به فروش آن به دولت ایران» خوانده شد، در لیست تحریم قرار گرفت. خودش در مصاحبه با رویترز ورود به این لیست را اشتباه خواند و گفت که کاری خلاف قواعد اتحادیه اروپا نکرده و نفت را در کشورهای معاف از تحریم و طبق قوانین بین‌المللی فروخته است. او هم‌چنین در این مصاحبه می‌گوید که یک مجموعه تجاری خصوصی دارد که هیچ رابطه خاصی با دولت ایران ندارد و شرکت نفتی او در عراق فعالیت تجاری می‌کند.

او و موسسه‌های مرتبط با او در آوریل ۲۰۱۳ توسط آمریکا به پول‌شویی برای دور زدن تحریم‌های اعمال شده علیه ایران متهم شده‌اند. دیوید کوهن، معاون وزارت دارایی آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، با اعلام این خبر، ایران را به توسل به تمهیدات مجرمانه و پول‌شویی برای جابه‌جایی نفت و پول خود متهم کرد. آقای کوهن گفت: «ما در رسوا و خنثی کردن تلاش‌های ایران از طریق بابک زنجانی یا دیمیتری کامبیس یا هر شریک جرم دیگری در آینده، برای فرار از تحریم‌های بین‌المللی و سوءاستفاده از نظام مالی جهانی بی‌رحمانه اقدام خواهیم کرد.»

منصور سلطانی راد، وکیل پرونده طلاق «ثریا اسدی»، همسر پیشین «بابک زنجانی» می‌گوید زنجانی چندبار به زندان رفته بود و اوایل سال ۸۸ بابت چک‌های برگشتی شرکت «سورینت قشم» به مدت سه ماه به زندان رفت. البته این مطلب صحیح نیست و بابک زنجانی فقط یک‌بار در سال ۱۳۷۷ به زندان بابت بدهی سالامبور رفته و بابک زنجانی از سال ۱۳۸۸ دارای چندین کارخانه بوده‌است و در سال ۱۳۸۶ هواپیمایی قشم را خریداری کرده است.



پز بابک زنجانی در مقابل هواپیمای خصوصی خود

### نقش زنجانی در دور زدن تحریم‌ها

در دهه ۸۰ و اوایل ۹۰ شمسی، ایران تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی قرار داشت. این تحریم‌ها، به‌ویژه در حوزه نفت، اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. در این شرایط، بابک زنجانی به‌عنوان یکی از معدود افرادی که قادر به دور زدن این محدودیت‌ها بود، وارد میدان شد. او با استفاده از شبکه‌ای از شرکت‌های بین‌المللی و ارتباطات گسترده، به فروش نفت ایران در بازارهای جهانی کمک کرد.

زنجانی مدعی بود که با ایجاد شرکت‌های صوری و استفاده از حساب‌های بانکی در کشورهای مختلف، توانسته است میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران را به کشور بازگرداند. اما این ادعاها بعدها مورد تردید قرار گرفت. اتهامات مطرح‌شده حاکی از آن بود که او بخش قابل‌توجهی از این درآمدها را به حساب‌های شخصی خود منتقل کرده و از بازپرداخت آن به وزارت نفت خودداری کرده است. فعالیت‌های زنجانی در دوران تحریم‌ها، اگرچه در ابتدا به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات اقتصادی تلقی می‌شد، اما در نهایت به یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد مالی ایران تبدیل شد. بدی ۲/۷ میلیارد دلاری او به وزارت نفت، نه تنها اعتماد عمومی به سیستم اقتصادی را خدشه‌دار کرد، بلکه فشارهای مالی زیادی را بر دولت تحمیل کرد.

متعاقب شکایت عده‌ای از نمایندگان مجلس در نامه‌ای گلایه‌آمیز از سران ۳ قوه حکومت ایران، زنجانی در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۲ بازداشت گردید. غلامحسین محسنی اژه‌ای در این باره اظهار داشت: «بابک زنجانی با توجه به مسائل و اتهامات وارده در هفته‌های اخیر از سوی مراجع قضایی بازداشت شد.»

دستگیری زنجانی یک روز پس از دستور حسن روحانی صورت گرفت که به دولتش گفته بود با فساد اقتصادی خصوصاً در مورد کسانی که برای پر کردن جیب خود از تحریم‌ها سود برده‌اند، مبارزه کند. البته او هرگز نامی از بابک زنجانی نبرد اما بلافاصله بعد از این اظهارات این میلیاردر معروف بازداشت شد.

هم‌چنین احمد توکلی مدعی ست که «من وقتی ماجرای زنجانی را فهمیدم بلافاصله عکس العمل نشان دادم. اصلاً علت اینکه زنجانی بازداشت شد و نتوانست فرار کند بیانیه من بود. من نامه‌ای نوشتم و از نماینده‌ها امضاء گرفتم که او باید بازداشت شود.» دو روز پیش از دستگیری زنجانی، محمدعلی پورمختار، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده بود که بابک زنجانی بدی ۲,۶ میلیون یورویی خود بابت فروش نفت ایران را به دولت پرداخت کرده است. مصطفی افضلی‌فرد، سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی یک روز پیش از دستگیری زنجانی مدعی شد که در ابتدا مسئولان بانک مرکزی ایران گمان کردند با توجه به اسناد و مدارک ارائه‌شده از جانب زنجانی، پول حاصل از فروش نفت در حساب این بانک می‌باشد؛ اما با بررسی بیشتر جعلی بودن این اسناد محرز شد و زنجانی متهم شناخته شد.

محسنی اژه‌ای در بهمن ۱۳۹۲ از توقیف کلیه اموال زنجانی در داخل و خارج از ایران خبر داد که با همکاری خود زنجانی در معرفی این دارایی‌ها همراه بوده است. وی از بدی ۹۰۰۰ میلیارد تومانی زنجانی به وزارت نفت و تصمیم قوه قضاییه برای توقیف این میزان ارزش از دارایی‌های زنجانی خبر داد. وی معتقد است حتی با فروختن بخشی از دارایی‌های زنجانی که در داخل ایران موجود است، می‌توان بدی مزبور به وزارت نفت ایران را تسویه کرد. اما این ادعای اژه‌ای توسط مصطفی پورمحمدی و عزت‌الله یوسفیان ملارد شد و ایشان اذعان کردند که دارایی‌های داخل کشور زنجانی مبلغ ناچیزی از بدی‌هایش را شامل می‌شود و می‌بایست برای پرداخت کامل بدی‌ها، دارایی‌های وی در خارج از کشور را به داخل منتقل کنیم. یوسفیان ملا در این باره گفت: «بر اساس برآوردهای ما در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، در خوشبینانه‌ترین حالت میزان اموال زنجانی در داخل حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان است که در واقع حتی نیمی از بدی بابک زنجانی به وزارت نفت را هم شامل نمی‌شود.»

از طرف دیگر به گفته یوسفیان ملا، کشورهایی که زنجانی در آنها حساب داشته، حاضر نیستند به راحتی پول‌های زنجانی را به ایران بازگردانند. به عنوان مثال در یک مورد، در مالزی به شرطی حاضر شدند دارایی‌های زنجانی را به ایران تحویل دهند که به آن‌ها باجی پرداخت شود.

در ۲۰ فروردین ۱۳۹۳، از رییس وقت کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی نقل شد که «ادعای بابک زنجانی مبنی بر بلوکه شدن دو میلیارد یورو از دارایی‌های او در خارج از کشور صحت ندارد و اساساً نمی‌توان به تسویه بدهی‌های او به وزارت نفت امیدوار بود. او به جز پول‌های بلوکه شده‌ای که حالا دروغ از کار درآمده، املاک و سرمایه‌های دیگری در خارج دارد که به فکر آن هستیم که این اموال را تبدیل به پول کرده و به کشور بازگردانیم.»

### حکم اعدام؟

محسنی اژه‌ای (سخنگوی وقت قوه قضائیه) روز یک‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ شمسی اعلام کرد که دادگاه بدوی بابک زنجانی به همراه دو متهم دیگر این پرونده را به اعدام محکوم کرده‌است. هم‌چنین این سه متهم به رد مال مربوط به شاک (که همان شرکت ملی نفت ایران است) و جزای نقدی معادل یک چهارم پول شویی نیز محکوم شده‌اند. روز دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۵، حکم اعدام بابک زنجانی ابلاغ شد.

برخی از مقامات دولت و نمایندگان مجلس با اعدام بابک زنجانی مخالفت کردند. از جمله حسن روحانی، رییس جمهوری ایران؛ مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری؛ بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت و شاک اصلی؛ حسین دهدشتی و امیرعباس سلطانی از اعضای کمیته پیگیری پرونده بابک زنجانی در مجلس نهم و دیگران. ایشان گفتند با اعدام آقای زنجانی «افراد صاحب نفوذ» و «دست‌های پشت پرده» در این پرونده «فراموش» خواهند شد و بازپس گرفتن بدهی‌های او دشوارتر از اینی که هست خواهد شد.

در روز شنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۵، حکم اعدام بابک زنجانی تایید شد.

در روز یک‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۵، حکم اعدام بابک زنجانی به وی ابلاغ شد.

در روز سه‌شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۵، حکم اعدام بابک زنجانی به‌طور کامل ابلاغ شد.

در روز سه‌شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۲ حکم اعدام بابک زنجانی دوباره به‌طور کامل ابلاغ شد.

### بازگشت زنجانی: فصلی جدید در سال ۱۴۰۴

در سال ۱۴۰۴، نام بابک زنجانی بار دیگر به سرخط اخبار بازگشت. گزارش‌ها حاکی از آن است که او فعالیت‌های تجاری خود را، این بار در حوزه‌هایی مانند راه‌آهن و فناوری، از سر گرفته‌است. شایعاتی نیز درباره حضور او در فضای سایبری و سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌های ایرانی مطرح شده‌است. این بازگشت، واکنش‌های متفاوتی را در میان ایرانیان برانگیخته‌است.

برخی معتقدند که زنجانی با استفاده از ارتباطات و تجربه خود، می‌تواند به اقتصاد ایران کمک کند. در مقابل، عده‌ای او را نمادی از فساد سیستماتیک می‌دانند و بازگشت او را نشانه‌ای از ناتوانی در اصلاحات ساختاری می‌خوانند. پست‌های اخیر در ایکس نشان‌دهنده دوقطبی شدید در افکار عمومی است، جایی که برخی کاربران او را «کارآفرین زیرک» و برخی دیگر «نماد فساد» می‌نامند.

زنجانی در ادامه دو شرکت فیلم‌سازی «یاسین فیلم» و «سورینت فیلم» را تاسیس کرد تا زیر نظر هلدینگ خود سالانه ۱۰ فیلم سینمایی به اکران برساند

او اولین بار در سال ۱۳۹۱ مبلغ ۱٫۵ میلیارد تومان برای ساخت فیلم «هیچ کجا هیچ کس» به کارگردانی ابراهیم شیبانی پرداخت کرد یک سال بعد نیز سرمایه‌گذار فیلم «سیزده» به کارگردانی هومن سیدی بود و در ادامه نیز فیلم «نقش و نگار» به کارگردانی علی عطشانی با سرمایه‌وی ساخته شد.

بابک زنجانی ۵ دوره به‌عنوان صادرکننده نمونه انتخاب شده‌است، او جوایز مختلفی از وزیران و هم‌چنین مرحوم هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی روسای جمهوری دریافت کرده‌است

دارایی بابک زنجانی در زمان دستگیری به بیش از ۷۰ شرکت با ۲۲ میلیارد یورو سرمایه تخمین زده می‌شد که بخشی از این اموال در خارج از کشور قرار داشت.

همان‌طور که در بالا اشاره شد اتحادیه اروپا دی ماه ۱۳۹۱ نام بابک زنجانی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد. در ادامه ۱۵ شرکت خارجی بابک زنجانی در لیست تحریم‌های آمریکا و اروپا و انگلستان قرار گرفت و دلیل تحریم‌شدن کمک به تسهیل و جابه‌جایی وجوه جمهوری اسلامی ایران بوده‌است

### پشت پرده قرداد دولت پزشکیان با زنجانی

امضای تفاهم‌نامه شرکت متناسب به بابک زنجانی با دولت پزشکیان، واکنش‌های زیادی میان طرفداران مسعود پزشکیان و در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت.

روزنامه‌سازندگی امضای تفاهم‌نامه میان وزارت راه و هلدینگ دات‌وان را نشانه «رانت یا ملاحظات سیاسی» دانست و نوشت: «منتقدان معتقدند که واگذاری چنین پروژه عظیمی به شرکتی مرتبط با فردی با سابقه محکومیت قضایی بدون شفافیت کافی در فرآیند انتخاب و ارزیابی صلاحیت، می‌تواند نشانه‌ای از رانت یا ملاحظات سیاسی باشد.»

روزنامه وابسته به حزب کارگزاران سازندگی فعالیت دوباره زنجانی را مصداق «بازگشت رانت‌خواران به اقتصاد» دانست و احتمال داد که «مسعود پزشکیان برای حفاظت از روند مذاکرات به مخالفان توافق ایران و آمریکا سهم داده‌است.»

روزنامه هم‌میهن هم در یادداشتی نسبت به پرداخت بدهی بابک زنجانی ابراز تردید کرد و از قول ناظران نوشت که «اطمینان کافی» برای درست بودن این ادعا وجود ندارد.

این روزنامه از وزارت نفت خواست «شفاف» و «رسمی» نحوه پرداخت بدهی آقای زنجانی را اعلام کند و تفاهم‌نامه شرکت زیرمجموعه بابک زنجانی با راه آهن را «پوچ و بیهوده» دانست.

حدس و گمان‌های روزنامه سازندگی این‌طور القا می‌کند که هلدینگ «دات‌وان» تابلویی از یک شرکت چند منظوره است که حامیان قوی سیاسی یا نظامی و امنیتی در دستگاه حکومت دارد.

وزارت راه و شهرسازی تاکنون توضیحی درباره دلایل انتخاب شرکت آوان ریل، نحوه برگزاری مناقصه یا مذاکرات منجر به این تفاهم‌نامه ارائه نکرده است.

برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه شرق از قول «یک منبع آگاه» نوشتند که «بابک زنجانی طی روزهای اخیر به عضویت (کمیته اقتصادی) جبهه پایداری درآمده است.»

اما خبرگزاری دانشجو از قول «دفتر زنجانی»، این خبر را تکذیب کرد و قاسم روانبخش عضو جبهه پایداری و نماینده مردم قم در واکنش به عضویت بابک زنجانی در جبهه پایداری به خبرنگار ایلنا گفت «جواب این سؤال خنده» است.

### **بابک زنجانی و «دات‌وان»**

بابک زنجانی همانند یک فعال سیاسی که گویی در کارزاری انتخاباتی است، با شعارهایی مانند بازگشت اقتصاد کشور به «ریل» و جایگزین کردن «قدرت سیاسی با قدرت اقتصادی» دور جدید فعالیت اقتصادی و مالی‌اش را شروع کرده است.

او در شبکه ایکس پیشاپیش از «بزرگ‌ترین» قرارداد بخش خصوصی با شبکه ریلی ایران خبر داد و هم‌چنین وعده ورود تاکسی‌های برقی به شبکه حمل و نقل شهری، استفاده از رمز ارز «بیت‌بانک»، فعالیت‌های مالی و ورود هواپیماهای مسافربری داد.

زنجانی به شکل غیرمستقیم این ادعا را تکرار می‌کند که هلدینگ منتسب به او قادر است «اقتصاد ایران را از رکود بیرون بیاورد» و «خون تازه‌ای به رگ‌های اقتصاد تحریم‌زده ایران تزریق کند.»

شرکت ریلی وابسته به هلدینگ دات‌وان در ۲۰ آذرماه سال ۱۴۰۳ تاسیس شد و ظرف چند ماه توانست، «بزرگ‌ترین قرارداد بخش خصوصی» را با شرکت راه‌آهن منعقد کند.

در وب‌سایت این هلدینگ، آمده است که «ما آینده را می‌سازیم» و «آسایش همگانی را فراهم می‌کنیم.» صاحبان این هلدینگ در وب‌سایتشان ادعا کرده‌اند: «ما چشم‌انداز مالی، حمل‌ونقل، رسانه، ارتباطات و فراتر از آن را دگرگون می‌کنیم.»

درباره حیطه فعالیت این گروه در وب‌سایت هلدینگ گفته شده است که در بخش بازرگانی و مالی از سرمایه‌گذاری و تهاتر گرفته تا صرافی، لیزینگ، رمزارز و بورس بین‌الملل فعالیت دارد. در بخش‌های دیگر نیز این هلدینگ می‌گوید که حمل و نقل، شبکه هوایی، دریایی و زمینی اعم از ریلی و ناوگان جاده‌ای و شهری و تاکسی و هم‌چنین در زمینه ارتباطات و رسانه نیز از خدمات تلفن گرفته تا شبکه تلویزیونی و ... فعالیت دارد.

روزنامه سازندگی در یادداشتی فعالیت دوباره زنجانی را مصداق «بازگشت رانت‌خواران به اقتصاد» دانست و از قول کارشناسان احتمال داد که «مسعود پزشکیان برای حفاظت از روند مذاکرات به مخالفان توافقی ایران و آمریکا سهم داده است.»

### **بابک زنجانی؛ «من بسیجی اقتصادی‌ام»**

انفجار هولناک بندر رجایی در نزدیکی بندرعباس، باعث شد که «بزرگ‌ترین قرارداد بخش خصوصی» با راه‌آهن کم‌تر مورد توجه قرار بگیرد.

رسانه‌ها در به کار بردن واژه «بخش خصوصی» با احتیاط برخورد کرده‌اند و تردید وجود دارد که «قرارداد ۶۱ هزار میلیارد تومانی از دل یک رقابت واقعی بین شرکت‌های خصوصی» بیرون آمده باشد.

از نظر روزنامه جمهوری اسلامی بابک زنجانی به‌عنوان بخشی از جریان «مافیا» در ایران است که دولت‌ها را می‌بلعند و زور دولت‌ها به آن‌ها نمی‌رسد.

این روزنامه بزرگ‌ترین تحول در سیاست داخلی را ریشه‌کن کردن مافیای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای دانست و نوشت: «از وقتی که ایران گرفتار مافیاها شد، هیچ دولتی نتوانست برنامه‌های تدوین شده، قوانین مصوب و طرح‌های مورد نظر را به درستی اجرایی کند. قدرت مافیاها بسیار بیش‌تر از دولت‌هاست.»

زنجانی، خودش را «بسیجی اقتصادی» می‌داند و معتقد است اتهام او نه فساد بلکه «ابهامات اقتصادی» بود و او وابسته به هیچ جریانی نیست و پشتوانه‌اش «خداوند» است.



## نتیجه‌گیری

شریفی زیندشتی در جریان انتخاباتی که منجر به پیروزی مسعود پزشکیان شد، با انتشار تصویر خود در حال رای دادن در انتخابات، نوشت: «انتخابات مظهر اراده ملت است.»

روزنامه سازندگی در تحلیلی نوشت: «شرکت منتسب به هلدینگ بابک زنجانی تفاهم‌نامه‌ای به ارزش ۶۱ هزار میلیارد تومان با شرکت راه‌آهن امضا کرد. نکته جالب این بود که وزیر راه و شهرسازی در مراسم امضای تفاهم‌نامه حضور داشت و به آن رسمیت بخشید. براساس قرارداد، شرکت «آوان ریل» باید برای خرید و تولید ۳۰۰ دستگاه مسافری خودکششی دیزلی، ۵۰ لکوموتیو باری و ۶۰۰ دستگاه واگن باری مخزن‌دار اقدام کند. این خبر، با موجی از واکنش‌های منفی در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد.

فعالیت اقتصادی جدید زنجانی در محافل سیاسی و حقوقی واکنش‌های زیادی برانگیخته است. محمد مهاجری، روزنامه‌نگار اصولگرا، گفت: «یک فاسق اگر توبه کند، می‌تواند به مسجد بیاید، اما امام جماعت نمی‌شود.»

وزارت خزانه داری بریتانیا (HM Treasury) در مهر ۱۳۹۳ خورشیدی تحریم بابک زنجانی را لغو کرد چرا که معتقد بود زنجانی فقط نفت را در کشورهای دارای معافیت تحریمی فروخته است. دیوید کوهن، معاون وزارت دارایی آمریکا، با اعلام این خبر، ایران را به توسل به تمهیدات مجرمانه و پول شویی برای جابه‌جایی نفت و پول خود متهم کرد.

بابک زنجانی، از سرریزی تا چهره‌ای جنجالی در تاریخ اقتصادی ایران، داستانی پر از فراز و نشیب را روایت می‌کند. صعود او به قله ثروت، ظاهراً سقوطش به دلیل فساد مالی و بازگشت مرموزش در سال ۱۴۰۴، پرسش‌های بسیاری را درباره نظام اقتصادی و قضایی ایران مطرح کرده است. داستان زنجانی، نشان‌دهنده چگونگی ارتقا افراد به مقامات بالای سیاسی و اقتصادی ایران است و تنها شامل او نمی‌شود و به‌طور کلی درباره همه مقامات سیاسی، نظامی، قضایی و اقتصادی ایران را نشان می‌دهند که هیچ شفافیتی در مورد آن‌ها وجود ندارد و به همین دلیل، کلیت جمهوری اسلامی در افکار عمومی، به یک حکومت تبه‌کار و مافیایی معروف شده است.

داستان بابک زنجانی فراتر از یک پرونده قضایی، به یک پدیده فرهنگی و اجتماعی در ایران تبدیل شده است. این پرونده نشان‌دهنده شکاف عمیق بین اعتماد عمومی و نهادهای حکومتی است. بسیاری از ایرانیان معتقدند که فساد مالی در سطوح بالا، مانع از پیشرفت اقتصادی کشور شده است. زنجانی، به‌عنوان یکی از بارزترین نمونه‌های این معضل، به نمادی از این ناکامی‌ها تبدیل شده است.

وقتی مافیا و تروریسم در بالاترین سطوح دولت راه جای خوش کرده است، دیگر بحث از دولت-ملت در کجای این جریان مافیایی قرار می‌گیرد؟ اعتماد عمومی، که بزرگ‌ترین سرمایه هر حکومتی است، پیش‌تر بر باد رفته بود و الان با چنین دیدارهایی، خاکستر و تعفن خطرناک آن نیز به هوا برخاسته است.

آیا دولت پزشکیان در حال معامله با شبکه‌های قاچاق بین‌المللی است؟ آیا امنیت و آینده کشور به بهای زد و بند با مافیای مواد و اسلحه و تروریسم گره خورده است؟ و آیا دستگاه‌های نظارتی جرئت دارند در برابر این مافیا بایستند؟

بر اساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی، از جمله در سال ۲۰۲۲، نظام جمهوری اسلامی ایران از لحاظ فساد مالی، در میان ۱۸۰ کشور، رتبه ۱۴۹ را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۲۴، جمهوری اسلامی از لحاظ فساد مالی، در رتبه ۱۵۱ ام در بین ۱۸۰ کشور جهان قرار داشت. علی‌خان محمدی، از مدیران ستاد امر به معروف، در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران گفت: «فساد در دستگاه‌های اداری ریشه دوانده و برخی مدیران کشور را درگیر کرده است. از قراردادهای تا انتصابات و موارد اخلاقی با فساد روبه‌رو هستیم که بیش‌ترین پرونده‌ها مربوط به مسائل اقتصادی است.»

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه می‌گوید که «مجموع دزدی‌ها در پرونده‌های بزرگ اختلاس در ایران بیش از ۵۷ میلیارد دلار ارزیابی شده است. این رقم برابر با کل وامی است که کره جنوبی از صندوق بین‌المللی پول گرفت و ضمن نجات اقتصاد ورشکسته خود، در جمع ده اقتصاد برتر دنیا قرار گرفت.» او مافیاهای نفت، تحریم، قاچاق (کالا)، قاچاق انسان و اخیراً فیلترینگ، را به مرغ‌های کنه‌خوار اقتصاد ایران تشبیه کرد.

به این ترتیب، تروریسم و مافیای اقتصادی ایران، تنها به زنجانی و زیندشتی محدود نمی‌شود و شامل بسیاری از مقامات بلندپایه سیاسی، نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی است. به همین دلیل، می‌توان گفت کلیت جمهوری اسلامی، رسماً به بخشی از مافیای تبه‌کار بین‌المللی تبدیل شده است.

چکیده کلام آن که به قول معروف «همه چیز از سیاست آغاز می‌شود.» نقطه شروع در برابر فساد همانا نهادها هستند که در مرکز آن‌ها، نهادهای سیاسی و نظامی در قدرت و حاکمیت است. این نهادها در عرصه سازماندهی تولید، وظیفه دارند دست کم حد و مرز فساد ساختاری را کاهش دهند. چنین سیاستی، زمینه عینی را برای تغییر انگیزه‌ها و انتظارات فردی فراهم می‌کند و انگیزه‌های فساد فردی و جمعی را سست می‌کند.

سه‌شنبه ششم آبان ۱۴۰۴ - بیست و هشتم اکتبر ۲۰۲۵

#### ضمیمه:

مقایسه دولت‌ها در زمینه فساد مالی  
اگر ارقام فساد طی ۳۵ سال اخیر که به حکم قطعی رسیده‌اند را در هر دولت جمع کنیم و به تعداد روزهای فعالیت همان دولت تقسیم کنیم، آمار فساد روزانه دولت‌ها به شرح زیر محاسبه می‌شود (هزار دلار):

دولت رفسنجانی: ۲۳۹

دولت خاتمی: ۵۱

دولت احمدی‌نژاد: ۱۸۰۰

دولت روحانی: ۳۹۶

دولت سیزدهم: ۳۷۰۰

دولت سیزدهم از ۳/۶/۱۴۰۰ تا ۳۱/۵/۱۴۰۳، به مدت ۱۰۹۲ روز برسر کار بود.

#### نمونه‌ها:

\* تعداد ۳۰ شرکت و فرد حقیقی ایرانی ذکر شده در اسناد پاناما که در سال ۲۰۱۶ افشا شد. اسناد پولشویی و فرار مالیاتی پاناما افشا کننده نام ابر ثروتمندان پنهان کار جهان شامل ایران است که اغلب سیاستمداران یا وابستگان به قدرت هستند که میزان یا منبع ثروت خود را پنهان کرده بودند. اسامی ایرانیان در اسناد پاناما و سیاستمدارانی از ملیت‌های دیگر توسط یک خبرنگار و با انگیزه مبارزه با بی عدالتی اقتصادی به روزنامه ای آلمانی داده شد و سپس در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت.

\* فساد هلدینگ یاس توسط محمدباقر قلیباف و قاسم سلیمانی

\* رد درخواست الیاس قلیباف برای اقامت توسط دولت کانادا

\* لیست سفرهای الیاس قلیباف که به اداره کانادا تحویل داده شده نشان می‌دهد که وی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ به ۱۴ کشور و شهر اروپایی سفر کرده است.

\* فروش نفت ۳۰۰ هزار بشکه نفت ایران به پسر شمخانی واگذار شده است. حسین شمخانی سالانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار از تجارت محصولات پتروشیمی ایران سود می‌برد.

\* اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی فاضل حداد

\* فساد ۹۲ هزار میلیارد تومانی فولاد مبارکه

\* محکومیت غلامحسین کرباسچی و افزایش پور به تخلفات مالی

اختلاس شهرام جزایری

\* سیسمونی گیت توسط محمدباقر قلیباف رییس مجلس شورای اسلامی

فساد مالی اکبر طبری در دوران ریاست صادق لاریجانی بر قوه قضاییه

\* اختلاس مرجان شیخ‌الاسلامی ال آقا به میزان ۴/۷ میلیون دلار در یکی از پرونده‌هایش

\* اختلاس هزار میلیاردی در سازمان بازنشستگی و شستا

\* اختلاس در صدا و سیما به مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان، در قرارداد با سازمان تامین اجتماعی

\* رانت خواری ۶۵۰ میلیون یورپی شرکت سپید استوار آسیا از بانک مرکزی ایران

\* برداشت ۱۶ میلیارد تومان از حساب دولت توسط احمدی‌نژاد و واریز آن به حساب مشترک احمدی‌نژاد و بقایی

\* دریافت رشوه ۱۷۰ نماینده مجلس از محمدرضا رحیمی (معاون اول محمود احمدی‌نژاد)

\* دریافت رشوه ۳۰ تا ۹۰ میلیون تومانی برخی نمایندگان مجلس ششم شورای اسلامی از محمدرضا رحیمی

\* حیف و میل یا اتلاف شدن ۷۰۰ میلیارد دلار سرمایه ملت ایران، در دولت محمود احمدی‌نژاد.

\* اختلاس ۱۲ میلیاردی در واحد تویسرکان کمیته امداد.

\* اختلاس ۸ هزار میلیارد تومانی از صندوق ذخیره فرهنگیان.

\* ناپدید شدن ۲۰ هزار میلیارد تومان در دوران شهرداری محمدباقر قلیباف

\* نماینده رشت (غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی) در مجلس شورای اسلامی، گفت: رییس کل بانک مرکزی مطرح کرد که یکی از موسسات ۱۲ هزار میلیارد تومان پول مردم را درحالی جمع کرده بود که سرپرست آن دیپلم نیز نداشت و مسلح وارد بانک مرکزی می شد و حتی من را نیز تهدید می کرد.

\* بازداشت عیسی شریفی، معاون سابق قالیباف در شهرداری تهران، به اتهام فساد مالی

\* فرار یک کلاهبردار با مبلغ دزدی هزار و چهارصد میلیارد تومانی به خارج از کشور.

\* کلاهبرداری هزار و ۴۰۰ میلیاردی اعضای یک خانواده از ۸ بانک / بدهکار بزرگ بانکی از ایران فرار کرد.

\* استفاده شخصی ۲۲ ساله از ویلای مصادره‌ای در لواسان توسط سرلشکر حسن فیروزآبادی

\* استفاده شخصی علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت جمهوری اسلامی از ویلای مصادره‌ای در منطقه پل روی. به گفته یکی از خبرنگاران، آقای فلاحیان آن ویلا را «غنیمت جنگی مسلمانان» خوانده بود.

\* استفاده شخصی علی اکبر ولایتی از ویلای مصادره‌ای در کنار کاخ سعدآباد تهران

\* استفاده محمد خاتمی رییس دولت هفتم جمهوری اسلامی ایران از ویلای مصادره‌ای در محله نیاوران تهران به عنوان دفتر کار

\* متهم شدن علاءالدین بروجردی و خانواده‌اش به دست داشتن در اختلاس امیرمنصور آریا توسط کریمی قدوسی. کریمی قدوسی گفت: علاءالدین بروجردی رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یکی از این متهمین است که برای وی کیفرخواست صادر شده و قاضی نظر به بازداشت وی دارد. وی تصریح کرد: با توجه به اعترافات امیر منصور آریا متهم اصلی پرونده و همچنین با توجه به اعترافات فرزند بروجردی که در حال حاضر در بازداشت به سر می برد، علاءالدین بروجردی متهم این پرونده است و باید بازداشت شود. \* متهم شدن صادق لاریجانی، رییس قوه قضاییه به داشتن ۶۳ حساب بانکی و هزار میلیارد تومان پول توسط صادق لاریجانی، نماینده

تهران در مجلس شورای اسلامی

\* فساد پتروشیمی مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا به میزان ۳۱۸ میلیارد و ۶۳۷ میلیون و ۲۷۵ هزار تومان، و تحصیل مال نامشروع به مبلغ ۷ میلیون و ۶۵ هزار و ۵۲۹ یورو و ۸ میلیون و ۷۱۰ هزار و ۳۸۴ دلار

\* در سال ۱۳۹۰، ۳ هزار میلیارد تومان توسط مه آفرید امیرخسروی که در سال ۱۳۹۳ اعدام شد، محمودرضا خاوری مدیر عامل وقت بانک ملی که به همراه حدود ۳ هزار میلیارد تومان، به کانادا گریخته است و محمد جهرمی وزیر کار وقت که نهایتاً فقط به پرداخت ۸ میلیون تومان محکوم شد، اختلاس شد

\* در سال ۱۳۹۲، در بنیاد شهید و امور ایثارگران و در دوران مدیریت مسعود زریباقان، فساد ۱۷۰ میلیارد تومانی، اعطای ۸ هزار میلیارد تومان وام بدون ضمانت و با تبانی، کلاهبرداری از صرافی یکی از بانک‌ها در دوی به مبلغ ۴۳۳ میلیون درهم، وجود ۵۰ تا ۷۰ نفر در یک شبکه فساد با همکاری برخی مدیران وقت بنیاد شهید و معامله با افراد و بخش‌های ممنوع‌المعامله افشا شد

\* شهریور ۱۳۹۵ واگذاری املاک نجومی با محوریت شهرداری تهران، محمدباقر قالیباف و مهدی چمران، شهردار و رئیس وقت شورای شهر تهران، به برخی افراد خاص با قیمت‌هایی به شدت پایین‌تر از قیمت واقعی آنها بود. این املاک شامل ۲۰۰ آپارتمان، خانه ویلایی و زمین شهرداری تهران، در مجموع دو هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بوده است. مدیر سایتی که این فساد مالی را فاش ساخت با شکایت قالیباف و مهدی چمران بازداشت شد

\* رسوایی فساد در فوتبال ایران در سال ۱۳۹۲: رسوایی در فوتبال ایران رشته افشاگری‌هایی مربوط به تبانی و رشوه است که منجر به محرومیت برخی داوران و مربیان شده و رسیدگی به آن ادامه دارد. این ماجراها از بازی رفت تیم‌های پرسپولیس تهران و سپاهان اصفهان شروع شد که در جریان آن محسن قهرمانی، داور بازی، در دقیقه ۳ یکی از بازیکنان پرسپولیس را اخراج و یک پنالتی به نفع سپاهان گرفت. علی دایی و محمدرضا رویانیان مربی و مدیرعامل پرسپولیس بعد از بازی قهرمانی را به فساد متهم کردند. محمد میلی کهن، در مقابل خود دایی را متهم کرد. ستاد تخلفات حرفه‌ای فدراسیون فوتبال با بررسی این قضایا قهرمانی و کمک مربی پرسپولیس را محروم کرد

\* عباس ایروانی، رئیس گروه قطعه‌سازی عظام در دو پرونده قضایی مرتبط با این گروه، با اتهاماتی مانند «اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور» در مجموع به ۶۵ سال حبس محکوم شده است

\* یاشار سلطانی، روزنامه‌نگار، از پرونده زمین‌خواری در «مدرسه علمیه خمینی»، پرده برداشت که بر اساس آن مالکیت باغ ۴۲۰۰ متری با ارزش تقریبی «هزار میلیارد تومان» به شرکتی متعلق به کاظم صدیقی و بستگانش منتقل شده است.

\* فساد مالی و پول‌شویی ۲ فرزند محمد مصدق، معاون اول قوه قضاییه ایران میزان فساد ۲ فرزند محمد مصدق، ۲۰ هزار میلیارد تومان بوده است

\* اتهام اختلاس محسن پهلوان، مدیر شرکت پدیدیده شانددیز، به مبلغ ۹۴ هزار میلیارد تومان

\* اختلاس ۲ میلیون دلاری از بندر امام خوزستان و فرار اختلاسگر به کانادا. نام متهم اختلاسگر آرش اشتری است.

\* بازداشت موعود شمخانی (برادرزاده علی شمخانی) به دلیل اختلاس ۱۳۰ هزار میلیاردی

\* واریز پول توسط علی اکبر رائفی‌پور، از حساب مالی موسسه خودش به حساب مالی پدر و خواهرش

\* فساد در فدراسیون فوتبال؛ صدها سکه طلا و میلیون‌ها دلار رشوه. «خداداد افشاریان»، رئیس کمیته داوران و «سهیل مهدی»، رییس برگزاری مسابقات سازمان لیگ، از سمت‌های خود برکنار شده‌اند.

...